



# انترناسیونال ۳۸۸

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۲۹ بهمن ۱۳۸۹، ۱۸ فوریه ۲۰۱۱

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com

سرمدبیر: کاظم نیکخواه

## دور تازه ای از اعتراضات توده ای در ایران شروع میشود!



تظاهرات و درگیری های وسیع خیابانی در تهران و سایر شهرهای ایران در روز ۲۵ بهمن که تحت تاثیر مستقیم انقلاب در تونس و مصر و بر متن نفرت عمیق مردم از جمهوری اسلامی شکل گرفت، نشانه دور تازه ای از مبارزات مردم ایران برای بزیر کشیدن این حکومت است. این صفحه ۱۱

## منصور فرزاد عزیزمان در گذشت!



با کمال تأثر و تأسف، امروز یکشنبه ۱۳ ماه فوریه، قلب پرشور و شریف منصور فرزاد، کمونیستی برجسته که همواره در صف اول مبارزه علیه نابرابری و فقر و جهل و جمهوری اسلامی جنگید، در شهر گوتنبرگ سوئد بر اثر سکنه قلبی از حرکت باز ایستاد. منصور فرزاد چهره سرشناس و محبوب مردم سنندج، عضو کمیته مرکزی و کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران بود و بیش از سه دهه، بدون وقفه و خستگی ناپذیر برای آرمان های انسانی و کمونیستی اش، برای جامعه ای آزاد، برابر، شاد و انسانی، جامعه ای بدون استثمار، بدون خفقان و بدون خرافه مبارزه کرد.

این واقعه دردناک را به همه بستگان و دوستان منصور، به همسر عزیزش سوسن صابری و دختر و پسر نوجوانش، به مادر دردمند و برادران عزیزش و به همه همزمان او و به مردم سنندج صمیمانه تسلیت میگوئیم.

از دست دادن منصور عزیز، بویژه برای همه ما در حزب کمونیست کارگری بسیار تکان دهنده و یک ضایعه بزرگ بود.

یاد این کمونیست برجسته و مدافع سرسخت رهایی انسان، این کمونیست شریف و دوست داشتنی همواره عزیز و گرامی خواهد بود.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۳ فوریه ۲۰۱۱، ۲۴ بهمن ۱۳۸۹

مراسم بزرگداشت منصور فرزاد،  
شنبه ۱۹ فوریه، ساعت ۳ تا ۶  
بعداز ظهر در گوتنبرگ  
صفحه ۱۲

### جنگ برادران مغلوبه میشود

کاظم نیکخواه

یک نقطه اوج تازه و بی سابقه را در این مقابله شاهدیم. در جناحهای حاکم (نمی شود از یک جناح سخن گفت) بخشهای تندرو تر بر سر اینکه که کدامیک حادثه به سران جناح مغلوب حمله میکند، مسابقه گذاشته

صفحه ۳

هرچه فضای سرنگونی طلبی اوج و گسترش بیشتری می یابد، دست اندکاران امروز و دیروز حکومت نیز جنگ و نزاعشان شدید تر میشود. ۲۵ بهمن نقطه عطفی را در این جنگ پدید آورده است و این روزها

### ۲۵ بهمن و انقلاب مصر و تونس

گفتگو با حمید تقوایی

انترناسیونال: حمید تقوایی ۲۵ بهمن مستقیماً پیوندی بین انقلاب تونس و مصر و انقلاب ایران برقرار کرد. دهها هزار نفر در تهران و برخی شهرهای دیگر تجمع کردند و با حمایت از مردم

صفحه ۲

### در باره انقلاب های مصر، تونس و ایران

مصطفی صابر، صفحه ۳

### دیکتاتور رفت، دیکتاتوری هم باید برود!

صفحه ۸

### اصلاحات "برای جلوگیری از سقوط نظام"

کاظم نیکخواه، صفحه ۵

### انقلاب به زبان خودش سخن می گوید!

محمد شکوهی، صفحه ۵

### بازتاب هفته

شبحی بر فراز کاخ دیکتاتورها

بهرروز مهرآبادی

جمهوری رذالت بی نهایت

بهرروز مهرآبادی

دزدانی که به خزانه داری رسیده اند

محمد شکوهی

صفحه ۴

### صفحات دیگر

وزیر کار رژیم اسلامی: افزایش حقوق کارگران در سال آینده بعید است!

کارگران: حتی دو میلیون تومان هم کافی نیست! صفحه ۸

گزارشات تصویری از آکسیون اعتراضی ۲۲ بهمن

صفحات ۱۰، ۹

مبارزات هر روزه کارگران در اعتراض به

عدم پرداخت دستمزدها

صفحه ۹

منصور اسانلو دچار حمله قلبی در زندان شد

صفحه ۱۱

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## گفتگو با حمید تقوایی...



از صفحه ۱

انقلاب و خیزش انقلابی در ایران قرار دارد و بطور کلی چه همسانی ها و تفاوت‌هایی بین اینها وجود دارد؟

**حمید تقوایی:** انقلاب تونس و مصر و کلا موج اعتراضات توده ای که در منطقه در جریان است و اکنون یمن و بحرین و لیبی و الجزایر را هم فراگرفته، تأثیرات مهم و عمیقی بر شرایط سیاسی ایران و دیگر کشورها در خاورمیانه و شمال آفریقا دارد. این تحولات گفتمان انقلاب را به محور و مرکز اوضاع سیاسی در خاورمیانه رانده است، شور و امید و روحیه مبارزاتی و اطمینان به پیروزی را در جوامعی که ده ها سال در چنگال سلاطین و امرا و رئیس جمهوریهایی مادام العمر و دیکتاتوریهایی مذهبی و غیر مذهبی بخود پیچیده اند دامن زده و در مقابل، جنایتکاران حاکم در این کشورها را به وحشت مرگ انداخته است. و این بیش از هر جا در مورد ایران صادق است.

البته اعتراضات و شورشهای شهری و جنگ و گریز خیابانی با نیروهای حکومتی برای مردم ایران امر تازه ای نبود. مردم ایران از مدتها قبل از تحولات تونس و مصر مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی را آغاز کرده اند و بویژه انقلاب ناتمام ۸۸ فاکتور خیابان و مبارزات توده ای - مبارزات جاری و یا "خطر" مبارزات آتی - را به یک فاکتور مهم در فضای سیاسی ایران تبدیل کرده است. در متن این شرایط نقش و تأثیر مهم انقلابات تونس و مصر این بود که نشان داد سرنگونی سخت جان ترین دیکتاتوریهایی به قدرت انقلاب کاملاً ممکن و عملی است. مردم ایران در تحولات تونس و مصر تکرار تجربه خود را می دیدند اما با یک تفاوت مهم: انقلابی که در ایران ناتمام ماند، در تونس و مصر پیروز شد! و لذا به این نتیجه رسیدند که میتوان سیدعلی را نیز به سرنوشت مبارک و بن علی دچار کرد. به این نتیجه رسیدند که پیروزی ممکن و نزدیک و در دسترس است. و همین اعتقاد و اطمینان به پیروزی، خون و روح تازه ای در تن جامعه ایران جاری کرد.

انترناسیونال: فضای تظاهراتها و شعارهای روز ۲۵ بهمن تفاوت‌هایی را با تظاهراتهای سال ۸۸ نشان میداد و این

جنبه ای است که توجه خیلی از ناظرین را به خود جلب کرده است. شما این را چگونه می بینید و کلا فکر میکنید اوضاع چه تفاوتی کرده؟

**حمید تقوایی:** به نظر من هم از نظر شعارها - که خود نشاندهنده اهداف و انگیزه های یک حرکت اعتراضی است - و هم به لحاظ شکل و شیوه مبارزه، ۲۵ بهمن نشانه را دیکالیزه شدن جامعه بود. شعار غالب در ۲۵ بهمن - و در فضای اعتراضی قبل و بعد از آن - مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر خامنه ای بود و اعتراضات خیابانی به سرعت شکل جنگ و گریز و درگیریهای خیابانی و یک نوع شورش شهری بخود گرفت. مردم از همان سال ۸۸، و بدنال انقلاب در تونس و مصر با اطمینان و امید بیشتری، بزیر کشیدن خامنه ای را هدف فوری خود قرار داده اند و انعکاس این واقعیت در شعارها و اشکال مبارزاتی کاملاً قابل مشاهده است.

این بار مبارزه از همان گام اول با شعار "مبارک سید علی نوبت سیدعلی" و "مرگ بر دیکتاتور" شروع میشود، به درگیریهای خیابانی کشیده میشود و شکل شورش شهری بخود میگیرد. این شکل و محتوی رادیکال را ادامه خیزش ۸۸ و مشخصاً بویژه در روز ۶ دیماه شاهد بودیم اما تمام اهمیت قضیه اینست که حرکت مجدداً - و این بار با الهام از انقلاباتی که دیکتاتورهای هم سنخ خامنه ای را فی الحال پائین کشیده اند - دقیقاً از همانجا شروع میشود که در ۸۸ خاتمه یافته بود. ۲۵ بهمن نشان داد که نزدیک دوسال سرکوب و موج دستگیریها و اعدامهایی که حکومت بعد از ۸۸ بره انداخت بهیچ وجه نتوانسته است جامعه را بترساند و محافظه کار کند و سطح اعتراضات را به عقب بکشد. به عبات دیگر دور تازه اعتراضات که با ۲۵ بهمن شروع شده ادامه ۸۸ در یک مدار بالاتری است و نه بازگشت به شرایط ماقبل ۸۸ و یا حتی تکرار آن.

یک تفاوت دیگر جایگاهی است که دعوای درونی حکومت و جناحهای حکومتی در تحولات سیاسی ایران یافته اند. سال ۸۸ بر

متن و با محمل و بهانه تقلب انتخاباتی شروع شد و کسانی مثل موسوی و کروبی بجلو رانده شدند. انقلاب ۸۸ البته به سرعت از اینان عبور کرد اما در هر حال سر منشا و نقطه شروعهش دعوای جناحی و مساله انتخابات بود. این بار جنبش انقلابی بر سکوی شروع کاملاً متفاوتی قرار گرفته است. تجربه مصر و تونس نه خط اصلاحات و پرهیز از ساختار شکنی و غیره بلکه خط انقلاب و مطلوبیت و بخصوص امکانپذیری عملی سرنگون کردن رژیمهای دیکتاتوری بقدرت انقلاب را به گفتمان غالب در جامعه و در فضای سیاسی در ایران و در منطقه تبدیل کرده است. در این شرایط تشبثات نوع دو خردادی برای محدود کردن مبارزه مردم در چارچوب حفظ نظام و الله اکبر و بازگشت به خمینی و غیره دست و پازندهای مضحک و بیهوده ای است که به سرعت به متزوی شدن نمایندگان و طرفدارنش منجر خواهد شد. این تلاشها از نظر مردم همان جایگاه را دارند که کوشش مستاصلانه حکومت برای اسلامی جلوه دادن انقلاب در مصر و در تونس.

انترناسیونال: کلا این فضای خیزش انقلابی و سرنگونی طلبی در ایران و انقلابات در تونس و مصر و اعتراضات و تظاهرات در کشورهای دیگری مثل الجزایر و اردن و یمن ناشی از چیست؟ آیا ناشی از شرایط ویژه و منحصر بفرد هر کدام از این کشورهاست یا فکر میکنید چرخشها و تحولات تازه ای در منطقه خاور میانه و کلا جهان در جریان است؟

**حمید تقوایی:** به نظر من این انقلابها از زمینه ها و شرایط عینی واحدی نشات میگیرند و یک خصلت جهانی دارند. در پایه ای ترین سطح بحران جهانی سرمایه که از سه سال قبل آغاز شده و همچنان ادامه دارد و ناتوانی سرمایه داری در پاسخگویی به پایه ای ترین نیازهای مردم ریشه اصلی این انقلابها است. در تونس و مصر و ایران و الجزایر و اردن و یمن اکثریت عظیمی از مردم زیر خط فقر زندگی میکنند و در همه این کشورها بیکاری و گرانی و بی تأمین اقتصادی بیداد میکند. در قطب مقابل توده فقر زده مردم در این کشورها، یک اقلیت مفتخور صاحب سرمایه - که خود هیات حاکمه در راس آنست - قرار دارد که همه منابع مالی جامعه را در اختیار گرفته و ثروتش از پارو بالا

میروند. امرا و ژنرالها و روسای جمهور مادام العمر و آیت الله های میلیاردر در مقابل خیل عظیم گرسنگان و بیکاران! این شرایط باعث شده است تا شورش گرسنگان که سه سال قبل کارشناسان بانک جهانی پیش بینی میکردند به شکل انقلابی توده ای از کشورهای خاورمیانه سر بلند کند. وجه تشابه دیگر این کشورها البته وجود دیکتاتوریهایی است که چندین دهه است به وحشیانه ترین شیوه ها جامعه را به بند کشیده اند. تشابه بین خامنه ای و مبارک و بن علی تنها در ثروتهای میلیاردریشان نیست، اینها رژیمهایی را نمایندگی میکنند که از نظر سرکوب مخالفان و شیوه های شکنجه و کشتار و اعدام مردم و پایمال کردن ابتدائی ترین آزادیها، و حتی تبلیغات و دروغپردازیهای گویزی کاملاً همسان عمل میکنند و پرونده مشابهی در جنایت علیه بشریت دارند. تفاوت تنها در اینست که یکی در اردوی تروریسم اسلامی قرار دارد و دیگری در اردوی تروریسم دولتی غرب.

همین واقعیت سربلند کردن خیزشهای توده ای مستقل از دعوای این دو اردوگاه، و در واقع در برابر هر دو کمپ، چرخش تازه و مثبتی در شرایط سیاسی منطقه و دنیا را نیز نشان میدهد. انقلابهایی که شاهد آنیم نه از نوع انقلابات مخملی اروپای شرقی است و نه از سنخ ضد آمریکائی گری ارتجاعی نیروهای اسلامی. این انقلابها در واقع آغاز خیزش توده های عظیم قربانی تروریسمی است که بعد از پایان جنگ سرد بر کل فضای جهان و بویژه در خاورمیانه حاکم بوده است. دو واقعه مهمی که تا کنون به شرایط سیاسی بیست ساله اخیر در سطح جهانی شکل میداد فرو پاشی دیوار برلین و یازده سپتامبر بود. نتیجه و پیامدهای سیاسی هر دو این اتفاقات پا گرفتن و دست بالا پیدا کردن ارتجاعی ترین و عقب مانده ترین نیروها و سیاستها و افقها در سطح جهانی بود. مذهب و قومگرایی و ملت پرستی و اسلام سیاسی و تروریسم دولتی غرب میداندار شدند و ضد انسانی ترین شرایط در تاریخ معاصر بشر را بر جهان حاکم کردند. انقلابهایی که شاهدیم پایان این دوره را اعلام میکنند. این انقلابها فاکتور مردم، فاکتور تمایلات و خواستههای انسانی توده مردمی که تا امروز قربانی این شرایط بودند را مستقیماً وارد معادلات و صفتبندیهای سیاسی جهان کرده است. مردمی که دیگر

نمیخواهند قربانی دست و پابسته نظم نوین جهانی سرمایه باشند و بپا خاسته اند تا نان و آزادی و انسانیت را به جامعه بشری بر گردانند. تحولات انقلابی در منطقه به نظر من از نظر مضمون و جوهر واقعیش کيفر خواست پرولتاریا علیه سرمایه جهانی و به چالش کشیدن وضعیت سیاهی است که سرمایه بر دنیا حاکم کرده است.

انترناسیونال: برگردیم به ۲۵ بهمن. آنچه شاهدیم اینست که در ایران مردم و بویژه جوانان با خود گذشتگیهای بسیار و تمام وجود و با چنگ و دندان در برابر یک رژیم بیرحم و هار و تاندان مسلح دارند میجنگند و مصممند خود را از شر این حکومت خلاص کنند. شما روی چه نکات اساسی ای برای ادامه و پیروزی این جنبش تأکید دارید؟ به بیان دیگر این جنبش چگونه باید پیش رود تا به پیروزی برسد؟

**حمید تقوایی:** پیروزی این جنبش در یک سطح پایه ای قبل از هر چیز در گرو شفافیت و روشنی خواستها و اهداف آنست. جنبش بدرست هدف فوری خود را بزیر کشیدن خامنه ای قرار داده است اما تجربه تونس و مصر نشان میدهد که مرگ دیکتاتور لزوماً به معنی نفی دیکتاتوری نیست. گرچه انقلاب در مصر و تونس نیز دارند راه خود را بجلو باز میکند اما نباید این روند را به تجربه روزمره و آزمون و خطا سپرد. این کاملاً حیاتی و تعیین کننده است که جامعه از همان قدمهای اول انقلاب افق و چشم انداز و سطح توقع و انتظار روشن و همه جانبه ای از نفی دیکتاتوری و سرنگونی نظام موجود داشته باشد. این افق و چشم انداز در اهداف فوری و خواستها و شعارهایی نظیر آزادی زندانیان سیاسی، محاکمه سران و مقامات رژیم، انحلال نیروهای سرکوب، ممنوعیت اعدام و شکنجه، لغو هر نوع محدودیتی بر آزادی بیان و عقیده و تشکل و اعتراض و اعتصاب، ریشه کن کردن فقر و بیکاری و گرانی و غیره نشان میدهد. هر اندازه این جهت گیری و این خواستها و اهداف در فضای سیاسی جا باز کند و در گفتارها و نوشتارها و گفتمانهای رسانه های اجتماعی ( فیس بوک و تویتر و پیامکها و غیره)، و شعارهای شبانه بر پشت بامها و در دیوار نویسی های و شعارهای تظاهرات خیابانی منعکس بشود به همان اندازه پیشروی و پیروزی انقلاب

## کاظم نیکخواه



اند. مجلس اسلامی صحنه تظاهرات آخوندهای کف بردهان آورده با فریاد مرگ بر کروی و موسوی و خاتمی شد. سایتیهای جمهوری اسلامی همه بر همین روال به حملات تند دست زده اند. صدا و سیما جمهوری اسلامی نیز صحنه هایی را نشان میدهد که فریاد مرگ بر هاشمی سر داده میشود. لاریجانی رئیس قوه قضائیه حکومت، تهدید دستگیری و محاکمه "سران فتنه" را مطرح کرد و اینکه نیکگذاریم اینها قهرمان شوند. همین روز جمعه ۲۹ بهمن را حکومت روز راهپیمایی علیه فتنه گران اعلام کرده است. اراذل و اوباش در خیابانهای قم و تهران و شهرهای دیگر کف بر دهان می آورند و چوبه دار را نشان میدهند. محارب و مفسد فی الارض و عامل بیگانه کمترین برجسبیهایی است که به برادران و همدستان درپرز خود میزنند. و فریاد "اعدام باید گردد" و "مرگ بر..." را نثار نه فقط موسوی و کروی بلکه حتی هاشمی و خاتمی میکنند. جناح مغضوب هم تلاش میکند با کارت مردم بازی کند و با اعلام راهپیمایی و تظاهرات حمله طرف مقابل را دفع کند. روز یکشنبه یعنی دو روز بعد از این راهپیمایی حکومتی را روز بزرگداشت "شهدای سبز" اعلام کرده است. دفتر تحکیمی های یک هفته عزای عمومی اعلام کرده اند تا با تجمعات جناح های حاکم مقابله کنند. کروی میگوید جمهوری اسلامی توسط میراث خواران حکومتی سرنگون شده است و این حکومت نه اسلامی است و نه جمهوری.

سوال اینست که این جنگ و کشاکش دارد به کجا میرود؟ آیا حکومت بطور واقعی میخواهد تکلیف سران جناح مغضوب را یکسره کند؟ تاثیر این جنگ و کشاکش بر جامعه و بر انقلاب و مبارزه مردم چیست و مردم در ارتباط با این کشاکش چه باید بکنند؟

ظاهر مساله اینست که این جنگ و کشاکش درون حکومتی است و یا تنها دو سو دارد. اما در واقع این جنگی است که سه طرف دارد. این کشاکشها همانگونه که ما همیشه تاکید کرده ایم بازتاب جنبش سرنگونی و انقلابی مردم در درون صفوف جمهوری اسلامی است. این یک حکم کلی نیست، این را آشکارا امروز

میتوان بچشم دید. جناح های حکومتی دارند نسبت به فضای جامعه عکس العمل نشان میدهند. به بیان دیگر این طور نیست که اینها با هم اختلافاتی دارند و میخواهند سر یک دیگر را زیر آب کنند. بلکه هر دو طرف دارند نسبت به یک واقعیت عظیم بیرون خود که همان انقلاب و سرنگونی طلبی و آزادیخواهی است عکس العمل نشان میدهند.

## میخواهند خیابان را تسخیر کنند

جناح حاکم به بهانه حمله به کروی و موسوی و شرکا میخواهد لشکر مزدوران و چاقوکشانش را به خیابانها سرازیر کند و جامعه را مرعوب کند. اینها آشکارا مردم را نشانه رفته اند. به دانشگاهها حمله میکنند، قربانیان جنایات خود را شهیدان بسیجی معرفی میکنند، به دانشجویان وحشیانه تهاجم میبرند، در خیابانها عربده کشی میکنند، اعدام و دار را به رخ مردم میکنند، و آخوندها و امام جمعه ها همچون گرگان درنده کف بر دهان می آورند و عمامه بر زمین میکوبند و رجز خوانی میکنند. این جنگی با موسوی و کروی و هاشمی نیست. این جنگی با مردم است. قرار است فضای جامعه به شیوه های مافیائی و فاشیستی تسخیر شود و مردم در درون خانه هایشان احساس ترس کنند. این کار حکومتی است که قبل از این چوبه های دار و اعدامش را برپا کرده است و بارها مانور ضد شورش ناجا و چک و جانوران دیگرش را برپا کرده است و نتیجه دلخواه خود را نگرفته است. این بار قرار است با رقص لشکر اراذل و اوباش برای فتح خیابانها حرکت کند. قرار است صدای انقلاب مردم را در زیر عربده کشی ها و رجز خوانی های الله کرم هایشان خفه کنند.

از سوی دیگر جناح مغضوب و زیر ضرب هم پیش از آنکه از اینها وحشت داشته باشد، از همان انقلاب و جنبش آزادیخواهی مردم وحشت دارد. اینها میان تعرض برادران در قدرتشان و انقلاب مردم گیر کرده اند. اگر مردم ساکت شوند اینها جان خود را از جانب حاکمین در خطر می بینند. اگر مردم به خیابان بیایند اینها کل فلسفه وجودی خود یعنی جمهوری و نظامشان را در خطر مرگ می بینند. اینها

سرسوزی با مردم و خواسته های مردم همخوانی ندارند. امرشان همانست که بارها و بارها اعلام کرده اند و آن حفظ نظام و حکومت اسلامی است. بازگشت به دوره خمینی است. همین روزها جبهه مشارکتی ها در بیابیه شان اعتراف کردند که "اصلاحات" حرکتی برای جلوگیری از سقوط نظام است. و روشن است که "نظام" تنها از جانب مردم سرنگونی طلب تهدید میشود نه از جانب نیروی دیگری. اینها در واقع دارند آنچه را ما از همان ابتدا در مورد دوم خرداد گتیم اعتراف میکنند که پروژه کنایی "اصلاح رژیم" تنها و تنها برای فرصت خریدن برای حکومت اسلامی در برابر خطر انقلاب مردم طراحی شده است. و فی الواقع هم تاکنون این خدمت را به حکومت کرده است و برای آن چند سال فرصت خریده است. اما "اصلاح طلبان" و کلا جناح ملی اسلامی، همانگونه که اشاره شد، ناچارند خود را به مردم و خیابان آویزان نگه دارند تا از زنان و محاکمه و اعدام در امان بمانند. اما تقلا میکنند خیابان را عکس آنگونه که مردم میخواهند شکل دهند و به شیوه دیگری تسخیر کنند. تلاششان اینست که خیابان با شعار الله اکبر و یا حسین تزئین شود نه با شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد و حکومت اسلامی نمیخواهیم و مرگ بر جمهوری اسلامی. این روزها آنچه شاهدیم اینست که این سناریو دارد بوضوح جلوی چشمان اجرا میشود. حاکمین چوبه دار را نشان "سران فتنه" میدهند. و اینها هم خیابان را یادآوری میکنند. اما در واقع این خیابان است که کل سکنا تهر و سوا را تعیین میکند. این خیابان است که دارد اینها را بازی میدهد و به تحركات و دست و پا زدن و نمایشات مضحک و بازی رذیله و آوار میکند. مانده اند با این "خیابان" چه کنند. هرچه تقلا میکنند بیشتر غوطه ور میشوند. بیشتر خود را افشا میکنند. بیشتر مردم را به جنبش و اعتراض برای در هم کوبیدن کل نظام کثیفشان فرا میخوانند. اینکه کشاکش حکومتی ها با یکدیگر در آینده نزدیک به چه سرانجامی برسد دقیقاً روشن نیست. بعید بنظر میرسد که جناح حاکم آنقدر حماقت داشته باشد که نفهمد دستگیری و محاکمه و زندان و اعدام سران جناح مخالف صفوفش را بیش از پیش و به نحو بی سابقه ای در هم میریزد و حکومت را در برابر مردم مترصد سرنگونی بسیار ضربه پذیرتر میکند. در عین حال بلشوی درون

جناح حاکم و وجود باندهای تندرو و وحشت زده درون حاکمین امکان دست زدن به هر گونه حماقتی را باز میکند. آنچه روشن است این جنگ و کشاکش به نقطه بی بازگشت و آشتی ناپذیری رسیده است و هر آن احتمال گلایز شلن خونین طرفین وجود دارد.

## پاسخ مردم به جنگ جناحها

در این فضا روشن است که پاسخ مردم به این جنگ و کشاکشی که در درون حکومت اوج گرفته نمیتواند سکوت باشد. نمیتواند بی طرفی باشد. هیچکدام از جناحهای حکومت سر سوزنی با خواسته و آرزوها و اهداف مردم همراهی و همخوانی ندارند. اما کشاکش و نزاع آنها باید پاسخ درخور خود را از جانب مردم انقلابی بگیرد. ۲۵ بهمن به درجه زیادی این پاسخ را تصویر کرد. جوانان و مردم به خیابان آمدند اما شعارهای اصلی شان ضد کل حکومت بود. تمام فیلمها و ویدئوهایی که از تظاهراتهای ۲۵ بهمن منتشر شد این را اثبات میکند و نشان میدهد که جامعه یک گام اساسی تر در تقابل با کل جناحهای حکومتی جلو رفته و به سوی سرنگونی کل حکومت پیشتر تر رفته است. شعارهای مرگ بر دیکتاتور و زندانی سیاسی آزاد باید گردد و بویژه شعار زیبا و گویای "حکومت اسلامی نمیخوایم نمیخوایم" شعارهای اصلی است. و از شعارهای دوم خردادبها و ملی اسلامی ها چندان خیری نیست. جواب مردم به تحركات و لشکر کشیهای حکومتی ها و تقلاهای امثال کروی و موسوی باید همینگونه باشد. باید هرچه بیشتر همین سمت و سورا داشته باشد. در تظاهراتها و تجمعات باید بر سرنگونی کل نظام کوبید. باید "آزادی آزادی" و حکومت اسلامی نمیخواهیم را فریاد زد. باید مرگ بر دیکتاتور را فریاد زد. باید

## گفتگو با حمید تقوایی...

محتمل تر و تضمین شده تر است. این اهداف و خواستهها در عین حال معیاری برای محک زدن هر نیروی است که خود را اپوزیسیون خامنه ای و ضد دیکتاتوری قلمداد میکند. این جنبه بخصوص در شرایط سیاسی ایران که جریانات راست از تخت افتاده و نیروهای ملی اسلامی نوع دو خردادی بنام همراهی با مردم، در برابر انقلاب قرار گرفته اند اهمیت تعیین کننده ای دارد. جنبش تنها با کنار زدن و منزوی کردن این نیروها

زندانی سیاسی آزادی باید گردد را فریاد زد. نباید به شعارهای منحرفی نظیر الله اکبر و یاحسین میدان داد. اما علاوه بر تظاهرات میتوان و باید با شعار نویسی و پخش توده ای ادبیات ضد حکومتی و آزادیخواهانه و سوسیالیستی، جو انقلابی را هرچه بیشتر تقویت کرد. بعلاوه پاسخ جامعه باید موجی از جنبش و اعتراضات و اعتصابات و حق خواهی ها از جانب بخشهای مختلف کارگران و مردم باشد. اعتصاب و مبارزه علیه فقر و گرانی و بیکاری هم اکنون به درجات مختلف در گوشه زوایای جامعه میجوشد. این فضا را باید هرچه فعالتر کرد. حتی اگر در این مبارزات يك تك خواست سیاسی مطرح نشود، چنین مبارزاتی بر کل فضای سیاسی در ایران به نفع کارگران و مردم سرنگونی طلب تاثیر مستقیم و تعیین کننده دارد.

حقیقت اینست که جمهوری اسلامی به آخرین خاکیهایش رانده شده است. فضای انقلاب و سرنگونی طلبی بویژه تحت تاثیر انقلابات در مصر و تونس و جنبشهای سرنگونی طلبانه در کشورهای دیگر، به شدت حاد و گسترده شده است. ۲۵ بهمن يك بار دیگر نشان داد که تقلاها و تلاشها و تهدیدات و جنایات حکومت نمیتواند مردم را ساکت کند. جنگ جناحهای حکومت در نتیجه و تحت تاثیر این فضا حاد شده است و در عین حال بر این فضا تاثیرات خود را دارد. رهبران کارگران، جنبش زنان، جوانان و دانشجویان و همه بخشهای مردم باید بدون هیچ تامل و تردیدی برای تقویت انقلاب و سرنگونی کل حکومت بطور جلی تلاش کنند.\*

## از صفحه ۲

میتواند راه خود را بجلو باز کند و به پیروزی برسد. نظامهای موجود در ایران و در کل کشورهای منطقه قابل اصلاح نیستند باید از پایه ریشه کن بشوند و بنا براین هر نیروی که بخواهد حتی گوشه ای از این نظام را حفظ کند باید افشا و رسوا و منزوی بشود. این جهت گیری را باید هم در مضمون مبارزه و اعتراضات جاری و هم در شکل و شیوه مبارزه همیشه و در هر حرکت معین مد نظر قرار داد.\*

## بازتاب هفته

### شبحی بر فراز کاخ دیکتاتورها



بهروز مهر آبادی

شبحی بر فراز سر دیکتاتورها میچرخد. بعد از تونس و مصر و ۲۵ بهمن ایران، اکنون بحرین و یمن و لیبی و اردن و الجزایر نیز به لرزه افتاده اند. حکومت سوریه نیز از وحشت انقلاب به صرافت اصلاحات افتاده است. ساعت ۳ صبح روز پنجشنبه پلیس ضد شورش و ارتش بحرین به میدان مروراید در شهر منامه حمله برد. صدها غیر نظامی متحصن در این محل هدف این تهاجم بودند که تعداد زیادی کودک نیز در میان آنها بود. بیشتر متحصنین خوابیده و امکان فرار و پناه جستن نیافتند. این حمله وحشیانه با گاز اشک آور، گلوله های پلاستیکی و ساچمه ای صورت گرفت و تعداد زیادی کشته و زخمی شدند. زره پوش ها میدان مروراید و نقاط مرکزی شهر را محاصره کرده و نیروهای نظامی و پلیس ضد شورش در تمام نقاط شهر منامه مستقر شده اند. در همانروز شهر بنگازی در لیبی شاهد تظاهرات مردم و درگیری مردم با نیروهای مسلح حامی معمر قذافی بود. گزارش ها حاکی از کشته شدن حداقل شش نفر و زخمی شدن دهها نفر شده است. روز سه شنبه ۲۶ بهمن تظاهرات گسترده ای در صنعا پایتخت یمن برگزار شد. اعتراضات مردم تاکنون توانسته است حکومت علی عبدالله صالح را وادار به عقب نشینی هایی کند. او قول داده است که در سال ۲۰۱۳ به دوران ریاست جمهوری خود که تاکنون ۳۰ سال از عمرش می گذرد خاتمه دهد و قول داده که فرزندش را جانشین خود نمی سازد! ولی شواهد نشان می دهد که مردم حاضر به قبول این وعده های پوچ و سرخرمن و پایان دادن به اعتراضات خود نیستند. روز ۱۲ بهمن دولت اردن نیز تحت فشار اعتراضات و با وعده تغییرات و اصلاحات نخست وزیر قبلی را برکنار ساخت و بجای او معروف البخیث را مامور تشکیل کابینه جدید کرد.

انتخاب يك ژنرال بعنوان نخست وزیر از طرف ملك عبدالله می تواند بمنزله يك پیش بینی در مقابل اعتراضات احتمالی مردم در آینده تلقی شود.

در الجزایر تظاهرات بصورت هرروزه جریان دارد و دولت عبدالعزیز بوتفلیقه وعده خاتمه دادن به وضعیت فوق العاده که نزدیک به ۲۰ سال برقرار بوده است و راه اندازی چند طرح برای ایجاد اشتغال، مسکن و تغییراتی در اداره دولت را مطرح ساخت. این واکنشی در مقابل تظاهرات و نارضایتی عمیق مردم بود.

در سوریه بشار الاسد در اوایل بهمن ماه وعده انجام اصلاحات داد. هر چند او مدعی شد که وضعیت سوریه باثبات است و "بیماری تونس و مصر" به آنجا سرایت نخواهد کرد ولی هنوز وضعیت فوق العاده ای که از سال ۱۹۶۳ برقرار شده، باقی است و هر گونه انتقاد از رژیم ممنوع است. در اوج اعتراضات مردم مصر حکومت سوریه برای چند روز ارتباطات اینترنتی را تقریباً متوقف ساخت این امر به روشنی وحشت از اعتراضات مردم را به نمایش گذاشت.

تونس، مصر و اینسک نویت الجزایر، یمن، بحرین، لیبی، اردن، سوریه و ... است. این روز ها بخش بزرگی از اخبار و تفاسیر رسانه ها به گزارش و تفسیر از وقایع این کشورها اختصاص یافته است. آنچه در بسیاری از این تفاسیر مشترک است تعجب عمومی از بروز اعتراضات مردم در این کشور ها است. حکومت هایی که همه آنها را با ثبات می انگاشتند، به فاصله چند روز متزلزل شدند و در معرض سقوط قرار گرفتند. در دنیای وارونه امروز این تعجب دور از انتظار نیست. اینکه مردم تونس و مصر چرا زودتر از این به خیابان نریخته اند موجب تعجب نمی شود، اینکه در مقابل فقر و بیخانمانی، اختناق و سانسور، شکنجه و زندان و اعدام و بی حقوقی میلیارد ها نفر چرا مردم هر روز و در همه جای دنیا به خیابانها نمی آیند، کسی را حیرت زده نمی کند. آنچه که در بسیاری از کشورهای فوق و تقریباً در بسیاری دیگر از کشورهای جهان حکمفرما است، مشابه است. فقر، بیکاری، عدم تامین اجتماعی، دیکتاتوری و سرکوب ساده ترین و سراسر ترین دلیل برای برگزاری بزرگترین تظاهرات

ها و اعتراضات مردمی در مقابل وضعیت موجود است. و بی دلیل نیست که انقلابات شاخ آفریقا و خاورمیانه، با حمایت و همراهی و استقبال مردم جهان روبرو شده است و در عین حال چشم انداز امید بخشی را در برابر میلیونها مردم تحت ستم گشوده است.\*

### جمهوری ردالت بی نهایت بهروز مهر آبادی

صانع ژاله دانشجوی ۲۶ ساله و محمد مختاری جوان ۲۲ ساله دو نفر از قربانیان تظاهرات و اعتراض های خیابانی روز ۲۵ بهمن هستند که به دست نیروهای مسلح و اوباش رژیم به قتل رسیدند. از جزئیات قتل صانع گزارشی منتشر شده اما شاهدان عینی تیراندازی اوباش موتور سوار رژیم را به سوی محمد مختاری در خیابان رودکی گزارش داده اند و در عین حال اعلام کردند که او از ناحیه کتف تیر خورده بود و با پای خود حرکت میکرد و به این دلیل معلوم است که بر اثر عدم رسیدگی و خوزیری زیاد جان باخته است. اما نحوه برخورد حکومت به این جنایت به اندازه خود جنایت بستگان آنها و مردم را به خشم آورده است. و برآستی هم حدردالت این حکومت کثیف باور کردنی نیست. رژیم تلاش کرد تا این دو نفر را بعنوان نیروهای بسیجی جا بزند و ادعا کرد که آنها توسط نیروهای مخالف جمهوری اسلامی و توسط تظاهر کنندگان کشته شده اند!

حتی برای صانع ژاله کارت عضویت در بسیج درست کردند و تصویر آن را در رسانه های دولتی منتشر کردند! اما دوستان صانع خلاف آن را گواهی دادند و برادر او در مصاحبه ای با تلویزیون آمریکا این ادعای رژیم را افشا کرد و گفت که صانع همیشه علیه حکومت بوده است که بلافاصله توسط نیروهای رژیم دستگیر و زندانی شد. جمهوری اسلامی این ادعا را در مورد ندا آقا سلطان که توسط مزدوران رژیم مورد حمله قرار گرفت، نیز مطرح ساخت و بیش از پیش بر خشم و انزجار مردم افزود. قتل ندا سمبل توحش رژیم شد و ندا به سمبل جانباختگان انقلاب مردم علیه شد. حکومت تبدیل شد. گزارش ها، فیلم ها و عکس های منتشر شده از وقایع ۲۵ بهمن بار دیگر نهایت توحش حکومت اسلامی را نشان داد. حضور هزاران نفر چماقداران رژیم نتوانست مانع فریاد های مرگ بر دیکتاتور

مردم شود. صحنه های حمله موتور سواران لباس شخصی و نیروهای انتظامی به مردم، شکستن شیشه اتومبیل ها توسط نیروهای انتظامی رژیم در مقابل چشم مردم دنیا قرار گرفت. روشن است که ادعا های ابلهانه سران جمهوری اسلامی را حتی يك نفر باور نمیکند. جمهوری اسلامی

در يك جنگ رو در رو با مردم نتوانسته آنها را وادار به عقب نشینی کند. مردم از هر فرصتی برای ریختن به خیابان و نشان دادن انزجار خود نسبت به این حکومت استفاده می کنند. رژیم با نشان دادن ردالت و روشهای فوق فاشیستی می خواهد به مردم اعلام کند که از هیچ کاری رویگردان نیست و با این شیوه مردم را به عقب براند. انتساب دو نفر از جان باختگان ۲۵ بهمن به جمهوری اسلامی، نمونه دیگری از این وقاحت و ردالت بی انتهای حکومت اسلامی است. اما این روش عملاً نتیجه ای جز متشکل کردن مردم و مصمم تر کردن آنها برای سرنگونی رژیم دروغ و جنایت اسلامی، نخواهد داشت.\*

### دزدانی که به خزانه داری رسیده اند



محمد شکوهی

اوایل هفته گذشته بعد از مدت ها جنگ و دعواهای باندهای حکومتی در مجلس پیرامون ابهامات در سازمان تامین اجتماعی (شستا) اولین نتایج "کمیته تحقیق و تفحص از تامین اجتماعی" اعلام شد. بر اساس این گزارش شستا ۳۵۰۰ میلیارد تومان، کسری بودجه در سال ۸۹ داشته و در سال آینده میزان این کسری به ۵ هزار میلیارد تومان خواهد رسید. مقدسی، عضو کمیسیون اجتماعی مجلس در این باره می گوید "بحران در همه لایه های تامین اجتماعی مشاهده می شود ولی انتصاب افراد و مدیرانی که بدون هیچگونه تخصص، سابقه کاری و تحصیل سکاندار این صندوق شده اند، باعث تشدید این بحران شده و برای همین از وزیر رفاه ستوال کردیم تا در مجلس حاضر شود و درباره این انتصابها، پاسخ دهد." تهیه کنندگان این گزارش می گویند تابه امروز دوبار محصولی وزیر رفاه را برای ارائه

دولت در شستا برای دزدیهای قانونی شان می باشد. در کنار این پولهای افسانه ای، بخور و بچاپ های کلان شستا، میلیونها نفر از بیمه شدگان این سازمان برای دریافت حداقل بیمه ها و تاميناتی که پول آنرا سالها پرداخت کرده اند با مانع تراشیها و عدم پرداختها مواجه میشوند. اینها بی شرمانه در پاسخ به مراجعه کنندگان برای دریافت حق و حقوق شان، کسری بودجه، ضرردهی واحدهای وابسته به این کنسرن مافیایی مالی را بهانه کرده و از پرداخت حق و حقوق بیمه شدگان سرباز می زنند. در کنار این دزدی سازمانیافته و برای تامین منابع مالی دزدیهای آینده شان، هر سال اعلام می کنند که کسری بودجه داشته ازپس پرداخت تعهداتشان به بیمه شدگان ناتوان بوده، تا زمینه را برای تقاضا و دریافت بودجه های هنگت دیگر فراهم نمایند. تا بدین وسیله ادامه کاری سازمان دزدی شان را تامين نمایند! اعلام کسری بودجه ۵۰۰۰ هزار میلیاردی برای سال آینده، تصمیم ادامه دزدی دولت و پرداخت نکردن دوباره حق و حقوق بیمه شدگان سناریوی کنونی شستا می باشد. شستا که در راس آن محصولی میلیاردی قرار دارد، سازمانیافته ترین ارگان دزدی حکومت است.\*

## اصلاحات" برای جلوگیری از سقوط نظام

کاظم نیکخواه

جهه مشارکت خواهان سقوط رژیم نیست و ملت ایران (یعنی جریان دوم خردادی و ملی اسلامی) خواهان اصلاحات برای مصون سازی نظام از سقوط است. این حرف جبهه مشارکت است که در آخرین بیانیه اش اعلام شده. این کنه و جوهر و هدف کل تحركات موسوی و کروبی و دوم خردادها و کلا ملی اسلامی هاست. اصلاحات برای جلوگیری از سقوط نظام. اصلاحات کذایی شان هم معلوم است که چیست: اجرای قانون اساسی، به بازی گرفتن همه جناحهای حکومت مثل دوره خمینی و بازگشت به دوره خمینی. خود این

## انقلاب به زبان خودش سخن می گوید!

محمد شکوهی

بعد از اعتراضات وسیع و گسترده ۲۵ بهمن علیه حکومت که شعارهای اصلیش "بعد از بن علی نوبت سید علی"، "مرگ بر خامنه ای" و "مرگ بر دیکتاتور" بود، صفوف حکومت بیشتر از هر زمان دیگری دچار تشتت و درهم ریختگی گشته است. انقلاب دو باره به خیابانها برگشت. حکومت شوکه شده و تمام توان و ظرفیتهای جنایت و سرکوبگریش را به نمایش گذاشت. خامنه ای و بیت رهبری به همراه شورای امنیت ملی بلافاصله حالت فوق العاده اعلام کردند. اراذل و اوباش و جمعیت های کرایه ای را برای "بیعت مجدد با خامنه ای" عریضه کشان در معیت بسیجی ها و سپاه پاسداران در خیابانهای تهران چرخاندند. ارگانهای اصلی حکومت، سران و مقامات بلند پایه شان هر کسی به طریقی ترس و وحشتش را از بازگشت دوباره مارش انقلاب مردم به نمایش گذاشتند. حکومت مفتضحانه تلاش کرد اعتراضات مردم را محدود به "فتنه گران و سران فتنه" جلوه داده و برای کوبیدن مغضوبینش به هر شگردی دست زد.

اما در این میان جریان موسوی و کروبی هم به نوبه خود بیشترین تلاش را برای مهار و هدایت اعتراضات مردم در مسیر "کنترل شده" کردند، اما نشد و اعتراضات از دست این جماعت هم خارج شد. اینها و بخش حکومت سعی دارند صحنه را دلبخواهی چیده و آکتورهای خودشان را وارد صحنه های سیاسی بکنند. جریان موسوی و کروبی و به همراه مشارکتی ها صدها بار

دست اندرکاران حکومت بوده اند و چنانچه که در خارج حکومت قرار دارند اینست که جلوی دخالت گیری مردم را بگیرند. جلوی سرنگونی حکومت اسلامی را بگیرند. مردم اما خواستشان و اولین و اساسی ترین خواستشان سرنگونی کل دم دستگاه توحش اسلامی حاکم است. مردم خواستشان و آرزویشان و هدفشان اینست که از شر جمهوری اسلامی خلاص شوند تا بتوانند نفس بکشند. مردم میخواهند از کل سنت خمینی یعنی زندان و شکنجه و سنگسار و زندگی زیر خط فقر و یکه تازی اراذل و اوباش بسیجی و لباس شخصی و پاسداران و همه دست اندرکاران حکومت خلاص شوند. این نظام و این حکومت کلا توهین به

خیل جمعیت های کرایه ای و سانددیس خور و بسیجی را به عنوان دانشجو و "مدافعان ولایت" در تهران چرخانده و تحسن و تظاهرات بر پا داشتند و اعلام کردند که "مردم" خواهان مجازات "سران فتنه" هستند، که دیگر کاسه صبر خامنه ای لبریز شده و باید "غائله" را ختم نمایند. این ارزیابی و تحلیل باند خامنه ای و جریان موسوی و کروبی از روند اوضاع جاری در این مملکت است.

اما در ورای این ارزیابی ها و تحلیل های حکومت و مغضوبینش، جنبشی عظیم و بشدت ضد رژیم و سکولار و سرنگونی طلب در بطن جامعه از سال گذشته آغاز شده است. هر چند که سال ۸۸ توانست حکومت را به زیر بکشد، ولی شکست هم نخورد، این جنبش و خیزش انقلابی دوباره به میدان آمده است. جنبش سرنگونی حکومت و به زیر کشیدن دیکتاتوری؛ این جنبش بسیار و وسیع تر و ریشه دار تر از آنی هست که حکومت و مغضوبینش فکرش را می کنند و تا همینجا جریان موسوی و کروبی ظاهرا متوجه این دارد می شود، که پتانسیل اعتراضی و رادیکال در این جنبش دست بالا را پیدا کرده و از اینها مدتهاست که عبور کرده است.

همان اندازه که باند حاکم، یعنی خامنه ای و احمدی و نژاد متوجه این خطر شده اند، جریان موسوی و کروبی هم برای "مصلحت آتی نظامشان" متوجه این رادیکالیسم شده اند و به انحاء مختلف در صدد نشان دادن "وجوه تمایزشان" از اقدامات بیگانگان، مخالفان نظام، و "توهین کنندگان به ساحت امامشان" شده اند! این جماعت هنوز که هنوز هست فکر می کنند

بشریت و انسانیت و منزلت و حرمت انسانی است. حرف کارگران و معلمان و دانشجویان و پرستاران اینست "منزلت معیشت حق مسلم ماست"، مردم فقر و فلاکت و بیکاری میلیونی و گرانی هرروزه نمیخواهند. مردم توهین و تبعیض و بی حرمتی علیه زنان را میخواهند که برای همیشه برچیده شود. مردم بگیر و ببند و زندان و شکنجه و زندانهای سیاسی نمیخواهند. مردم سنگسار و اعدام و کشتار هرروزه را نمیخواهند. همه اینها یعنی کل سنت خمینی باید از این جامعه جارو شود. یعنی به دوره تارک و سیاه و توحش حکومت اسلامی سرمایه داران خاتمه داده شود. جمهوری اسلامی باید گوش را گم کند. جبهه

"بازگشت به خمینی و قانون اساسی" تنها راه خروج حکومت از بحران می باشد. غافل از اینکه از قضا خود اکثریت همین مردم معترض با خمینی و قانون اساسی و کل نظامی که اینها بر پا داشته اند، مخالف بوده و بیش از سه دهه است که هر موقع فرصتی پیش آمده این مخالفت را به انحاء مختلف بیان کرده و برای در هم کوبیدن کل کبان نظامی که خمینی و خامنه ای بنیانش نهاده اند، به میدان آمده اند! "جنبش سبز" اینان با شعارها و سنبل هایش در همین ۲۵ بهمن دود شد و هوا رفت! انقلاب مردم مدتهاست که از اینها هم عبور کرده است. این تصویر که حکومت و باند خامنه ای و جریان حاکم، در کنار تصویر که موسوی و کروبی و جریان موسوم به "سبز" از روند جاری انقلاب مردم داده و می دهند، یک نکته مسلم است و آن اینکه مردم و انقلاب سرکوب شده شان از اول هم به دنبال اصلاح نظام و بازگشت به خمینی نبوده و نمی باشد! این انقلاب بارها اعلام کرده که موسوی و کروبی بهانه است، کل نظام نشانه است! در این میان هر تقلائی که در صدد مصادره انقلاب مردم به نفع هر کس و جریانی در داخل حکومت و مغضوبینش، تقلا و تلاش هایی

مشارکت و دوم خردادها و اپوزیسیون ملی اسلامی و حکومتی مانعی بر سر راه مردمند. جزئی از دستگاه و سیستم کثیف حاکمند. کارگران و مردم تنها با انقلاب و کنار زدن کل مدافعان این رژیم و به زباله دان ریختن سنت خمینی و نظام اسلامی میتوانند به زندگی ای شاد و آزاد و منزلت و رفاه انسانی دست پیدا کنند و سال گذشته با تظاهراتهای میلیونی شان نشان دادند که مصممند کار جمهوری اسلامی را برای همیشه تمام کنند. فریاد "حکومت اسلامی نمیخواهیم" نمیکوایم" که در ارباشهر و تهران سر داده شد، حرف دل همه مردم ایران است. (متن يك گفتار تلویزیونی)

بیهوده بوده و می باشد. تا همینجا این را مردم در شعارهای رادیکال و اعتراضاتشان بارها بیان کرده و با صدای رسا اعلام کرده اند که جمهوری اسلامی نمی خواهند! این شجاعت و ایستادگی مردم در برابر حکومت وضعیت حکومت را در هم ریخته تر کرده است! اوضاعشان حسابی به هم ریخته! به بهانه "مبارزه با سران فتنه" وسیعترین سرکوب ها را بر علیه انقلاب مردم دارند تدارک می بینند! دیکتاتوری باید برود! اینها شعارهای مردم در همین اعتراضات بود و به اندازه کافی روشن و گویا می باشد. هر جریان و هر کسی که به صرافت مهار و کنترل این اعتراضات، و هدایت آن به مسیر "اصلاح نظام و بازگشت به خمینی و قانون اساسی"، باشد، در برابر مردم و انقلابشان خواهد ایستاد! صف انقلاب و ضد انقلاب در اعتراضات جاری مردم روز بروز شفافتر و روشنتر می شود! این را باید به فال نیک گرفت! برای نبردهای نهایی آماده شد. کار رژیم و هر کسی که بخواهد انقلاب مردم را مصادره نماید، دیگر به آخر رسیده است! انقلاب به زبان خودش سخن می گوید!



## در باره انقلاب های مصر، تونس و ایران

مصطفی صابر



گرسنه و بی حقوق از یکسو و رشد ثروت های افسانه ای و فعال مایشاء بودن بانکها و موسسات مالی و مشتی بیلباردر در غارت انسان و طبیعت از سوی دیگر، و عقبگردها و ارتجاع سیاسی و فرهنگی مترادف با این تحولات اقتصادی (میدانداری "راست نوین" در دهه ۸۰، عروج "نظم نوین" و ارتجاع "پست مدرنیستی" در دهه ۹۰، "جنگ تروزیستها" و پلیسی شدن کل فضای سیاسی دنیا، رشد دولت های فاسد، سرکوبگر، دروغگو، ارتجاع مذهبی و قومی، ژورنالیسم نوکر و منحط و غیره و غیره بویژه در دهه اخیر) زمینه وسیعی برای نارضایتی و اعتراض رادیکال علیه وضع موجود را در همه جهان دامن زده است. انقلاب تکنولوژیک و رشد اینترنت و ساتلایت و تلفن موبایل که در دهه اخیر ابعاد غول آسایی گرفته در عین حال امکان ارتباط، اطلاع رسانی، تعامل فکری و شکل گیری نوعی فرهنگ جهانی رادیکال، سازمانیابی سریع و "خود جوش" و ابراز وجود توده های عظیم مردم بویژه نسل جوان را فراهم آورده است. بر مبنای این موقعیت تکنولوژیک، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، جهان وارد دوره انقلابی و تحولات و تغییرات اجتماعی با شرکت مستقیم توده های عظیم شده که از هر لحاظ در تاریخ بشری سابقه ندارد.

(۳) از جنبش "ضد جهانی سازی" (سال ۲۰۰۰) که از سیاتل آمریکا شروع شد و کل اروپا را فرا گرفت، تا تظاهرات های میلیونی و جهانی علیه حمله آمریکا به عراق (سال ۲۰۰۳) تا اعتصابات کارگری و تظاهرات های اخیر جوانان در یونان، فرانسه، انگلیس و غیره علیه بالا بردن سن بازنشستگی و افزایش شهریه ها و دیگر عواقب بحران اقتصادی ۲۰۰۹، از "به چپ چرخیدن" دول آمریکای لاتین زیر فشار توقعات عمومی تا اعتصابات کارگری و نارضایتی ها روز افزون علیه دیکتاتوری سرمایه داری دولتی در چین و مافیای حاکم بر روسیه، از

"مانیفست جوانان غزه" که حماس و اسرائیل را بیگسان به دشنام میکشد تا نارضایتی های شدید و تحولاتی که در خود آمریکا حاکمیت سنتی "دو حزب وال استریت" را به چالش میکشد، همه و همه علیرغم تفاوتها و ویژگی های خود خمیر مایه یکسانی با انقلابات و تحولاتی انقلابی دارند که در شمال آفریقا و خاورمیانه در جریان است و یا در سال ۲۰۰۹ در ایران رخ داد. مضمون مشترک همه این تحولات عروج جنبش های توده ای رادیکال برای تغییر وضع موجود است که نهایتا انعکاس مبارزه طبقاتی پرولتاریای عصر ما علیه بردگی و ارتجاع جهانی سرمایه مالی است. به بیان دیگر پس از قریب ۴ دهه هجوم "راست جدید" که بر مبنای افول و شکست سوسیالیسم و کمونیسم بورژوازی (چه سرمایه داری دولتی روسی نوع "شرقی" و چه سرمایه داری دولت رفاه نوع "غربی") بطور بی وقفه صورت گرفته و جهان را به ارتجاع و قهقریایی بی سابقه رانده است، اکنون بیش از یک دهه است که چپ، رادیکالیسم، عدالتخواهی و آزادیخواهی و برابری طلبی کارگری رفته رفته از منافذ گوناگون قد علم میکند و میکوشد راه خود را با آزمون و خطا، گاه حتی بعنوان گروه فشار بر جنبش های دیگر، بسوی ابراز وجود روشن و بی تخفیف خویش بگشاید. ابراز وجودی که جز پایان دادن به بردگی مزدی و برچیدن نظام سرمایه داری و عوارض گوناگون آن چیز دیگری نمی تواند باشد. فقدان افق و هویت روشن سیاسی، فقدان احزاب و جنبش های سیاسی کمونیستی و کارگری رهبری کننده، فقدان تشکل های قوام یافته و رادیکال توده ای و آماده بدست گرفتن اختیار زندگی از یکسو، و وجود رادیکالیسم عمیق انسانی و قدرت عظیم خلاقیت و ابتکار سازماندهی توده ای متکی بر تکنولوژی جدید ارتباطات برای فائق آمدن سریع بر ضعف های میراث دهه های سیاه اخیر از سوی دیگر، مشخصه عام این انقلابات و دخالتگری توده ای برای تحولات ریشه و رادیکال است.

(۴) انقلابات مصر، تونس و ایران با وجود خودویژگی ها هر یک، گوشه ای از این تصویر عمومی و جهانی، و در

واقع فوران آشفتگان انقلاب در مناطقی است که پوسته زمین زیر پای سرمایه داری معاصر نازکتر است. مشخصا خاورمیانه به دلائل تاریخی از جمله مساله فلسطین و دعوی اعراب و اسرائیل و همچنین عروج اسلام سیاسی (که با حمایت غرب از به قدرت رساندن خمینی برای شکست انقلاب ۵۷ و تقویت "مجاهدین افغان" بمنظور کشیدن "کمربند سبز به دور شوروی" در زمان جنگ سرد زمینه سازی شد و در خلاء سیاسی پس از "جهان دوقطبی" رفته رفته قدرت گرفت و پس از ۱۱ سپتامبر عروج کرد و به یک قطب جهانی ارتجاع تبدیل شد) محل تلاقی حادث ترین بحران ها، بن بست ها و جدال ها سیاسی و نظامی جهان در دو دهه اخیر بوده است. جنگ قدرت میلیتاریسم غرب و تروریسم اسلامی در دهه اخیر (از جنایت یازده سپتامبر و "جنگ علیه ترور" و لشکر کشی آمریکا و غرب به عراق و افغانستان و جنایت اسرائیل بر علیه مردم لبنان و فلسطین گرفته تا بمب گذاری های اسلامی ها در شهرهای اروپایی و تا قدرت گیری جریاناتی چون "حماس" در فلسطین و "حزب الله" در لبنان) مهمترین منبع قهقرا و هجوم به انسانیت در تمامی وجوه نه فقط در منطقه که در سراسر جهان بوده است. انقلاب ۸۸ مردم ایران و اکنون انقلابات مردم مصر و تونس (که بی تردید ملهم از انقلاب ۸۸ ایران هستند) از لحاظ سیاسی قبل از هر چیز علیه هر دو سوی "جنگ تروریستها" و علیه کل ارتجاعی است که این جدال قدرت قطب های بورژوازی به جهان تحمیل کرده است. نه مردم ایران که علیه دولت اسلام سیاسی به انقلاب برخاستند خواهان سر کار آوردن یک دیکتاتور گوش به فرمان غرب بودند و نه مردم مصر و تونس که اکنون علیه دیکتاتوری پرورغرب حاکم به انقلاب پیاخته اند میخواهند اسلام سیاسی به قدرت برسد. یک وجه مشترک این انقلابات که مورد توجه و حمایت مردم جهان قرار گرفته همین خاصیت آزادیخواهانه، سکولار و رعایت حرمت و کرامت انسانی است. تا آنجا که به جنگ قدرت اسلام سیاسی و میلیتاریسم غرب برمیگردد، اکنون

(۵) در سطحی عمیقتر این انقلابات کل معادلات سیاسی در خاورمیانه و شاخ آفریقا و به این اعتبار جهان را برهم خواهد زد. الگوهای حکومتی اعم از دیکتاتوری های ناسیونالیستی پرورغرب و یا حکومت های اسلامیستی و معارض غرب در منطقه هر دو به یکسان در برابر مطالبات و دخالتگری های توده ای دچار بحران عمیقتری خواهند شد. نفوذ غرب و آمریکا در کل این منطقه و همچنین موقعیت دولت اسرائیل بعنوان متحد اصلی و مشت آهنین غرب در هاله ابهام فرو خواهد رفت و دوباره باید تعریف شود. مساله فلسطین که طی دهه اخیر به سهم خود گروگان جدال ارتجاعی اسلام سیاسی و میلیتاریسم غرب بوده دوباره باز تعریف خواهد شد. انقلابات اخیر موج جدیدی از عدالتخواهی و رادیکالیسم را هم علیه جریانات ارتجاعی اسلامی و ناسیونالیستی فلسطین و هم علیه جنایات اسرائیل و غرب و گرایشات راست در جامعه اسرائیل دامن خواهد زد. توازن سیاسی نه فقط در فلسطین و جوامع عرب که در خود

صفحه ۷

## اساس سوسیالیسم انسان است!

## در باره انقلاب های مصر، ...

از صفحه ۶

اسرائیل نیز بهم خواهد خورد. انقلابات و جنبش های توده ای انقلابی بر علیه فقر و فلاکت و بی حقوقی مطلق و برای تغییر وضع موجود فی الحال در گوشه و کنار منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا شروع شده، به این یا آن شکل گسترش خواهد یافت. موقعیت زن و ارتجاع وحشتناکی که علیه زنان در کشورهای اسلام زده هست عوض خواهد شد و جنبش رهایی زن در کل این منطقه قدرتمندتر خواهد شد. سکولاریسم، آزادی خواهی و برابری طلبی همه جا تقویت خواهد شد و طبقه کارگر در سطوح مختلف به دخالتگری سیاسی بیشتر خواهد پرداخت. ... همه این تحولات به معنای آنست کل موقعیت خاورمیانه و تعادل و توازن ارتجاعی که طی دهه ها در آن برقرار بوده بنحو رادیکالی عوض خواهد شد و این به نوبه خود توازن قوای جهانی و معادلات بین المللی قدرت را نه فقط بین قطب های بورژوازی بلکه بین پرولتاریا و بورژوازی در هر کشور بر هم خواهد زد.

در یک پرسپکتیو تاریخی تر مضمون عینی تحولات و انقلابات کنونی در خاورمیانه و شاخ آفریقا عبارت از تلاش و ابتکار انقلابی و توده ای برای وارد کردن کامل جوامع عرب زبان و اسلام زده منطقه به قرن بیست و یکم در تمامی ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است. لذا بر متن این تحولات جدال بین دو طبقه اصلی جامعه حاضر نه فقط بر سر چگونگی ورود کامل این جوامع به قرن بیست و یکم بلکه اصولا بر سر تعریف چگونگی جوامع بشری در قرن بیست و یکم بالا میگردد و ابعاد بمراتب فراتر از این منطقه می یابد. واقعیت این است که تحولات تکنولوژیک و گسترش بی سابقه سرمایه داری و بازار جهانی که فوفا اشاره شد فقط به قطب بندی اصلی دوره جنگ سرد (یعنی تقابل سرمایه داری دولتی شرق و سرمایه داری بازار آزاد غرب) پایان نداد، بلکه میباید تا همه تقسیم بندی های بورژوازی گذشته را پایان دهد و یا مطابق توازن قوای جدید و

به ریشه برسد و نه فقط موج وسیع عقبگرد سیاسی و ایدئولوژیک طبقه سرمایه دار علیه کمونیسم و آزادیخواهی طبقه کارگر و هرگونه عتداخواهی در چند دهه گذشته را تماما پس بزند و فساد و دروغ و دولت های پلیسی و مذهبی و قومی - ناسیونالیستی را به همراه توجیهات ایدئولوژیک آن نظیر "پایان تاریخ و پیروزی دموکراسی"، "نسبیت فرهنگی"، "تسرد تمدنها" و "اسلامیگری" و غیره را برچیند بلکه نهایتا علیه خود حاکمیت سرمایه داری و بازار جهانی اش که منشأ تمام فقر و فلاکت و ارتجاع و قهقراي حاضر است بایستد. پاسخ واقعی به خواسته ها و تمایلات بلافصل میلیونها نفری که برای رقم زدن به سرنوشت خود به میدان آمده اند چیزی جز خلع ید سیاسی و اقتصادی از همه شارلانتها و ژنرال ها و ملاهای میلیاردر و برقراری سوسیالیسم و پایان دادن به بربریت سرمایه داری نیست. در این متن تاریخی انقلابات مصر و تونس و ایران را باید طلایه داران انقلابات کارگری قرن بیست و یکم برای پایان دادن به دو سه قرن حاکمیت سرمایه داری دانست. پیروزی این انقلابات بیش از هر چیز به شکل دادن احزاب و نیروی سیاسی رهبری کننده، رادیکال و کمونیستی کارگری گره میخورد که بطور روشن افق انقلاب اجتماعی و رهایی کل بشر از یوغ سرمایه را در برابر خود قرار داده و کل تلاش ها و کوشش های توده ای در این جهت را سازمان دهد و به پیش براند و به پیروزی برساند. تحقق چنین هدفی پس از انقلابات و تحولات فوق الذکر در خاورمیانه و شمال آفریقا بی تردید ممکن تر از هر زمان شده است. حمایت و اقبال وسیع جهانی از انقلاب ۸۸ در ایران و اکنون از انقلاب مصر و تونس و شور و امید به رهایی که در بین مردم جهان بر انگیزخته شاهدی بر صحت این ارزیابی است. مساله تعیین کننده شکل دادن به این رهبری و قرار دادن افق رهایی از یوغ سرمایه بصورت انتخاب های سیاسی مشخص و منطبق با اوضاع معین محلی است. نیازی به تاکید نیست که حزب ما در این رابطه بیشترین وظیفه را بردوش دارد. (اوائل فوریه ۲۰۱۱)\*

## شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:

<http://www.countmein-iran.com>

## سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3  
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

## آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:  
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

## کانادا:

, Scotiabank Canada, ICRC  
Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900  
Account #: 84392 00269 13

## هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN  
Shomare hesab: 15 13 50 248  
Adres: EINDHOVEN  
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

## آمریکا:

Bank of America  
277 G Street, Blaine, WA 98230  
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush  
Account number : 99 - 41581083  
wire: ABA routing # 026009593  
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981  
sort code: 60-24-23, account holder: WPI  
, Bank: NatWest branch: Wood Green  
81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345  
NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران: عبیل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

## تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

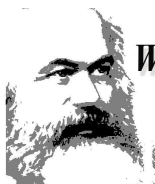
خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج ۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹

## تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K, Box: 2110, 127 02 Skärholmen - Sweden



**WE STILL NEED MARX**  
**TO CHANGE THE WORLD**

حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-Communist Party of Iran  
www.wpiran.org

زنده باد سوسیالیسم!

## انقلاب مصر: مبارزه برای نان، آزادی را محک میزند!

حمید تقوایی

مهلت شش ماهه جامعه را بطرف باصطلاح بطف دموکراسی ببرد. بر مبنای همین سیاست ارتش در آخرین اطلاعیه اش از کارگران اعتصابی میخواند که سر کار بر گردند. در این اطلاعیه همچنین از مردمی که هنوز در میدان تجمع کرده اند و به اعتراضاتشان ادامه میدهند خواسته شده بخانه بروند تا جامعه به "زندگی عادی" خود برگردد.

اما تمام مساله اینست که مردم از همین زندگی عادی به فغان آمده اند، جانشان به لب رسیده است و انقلاب کرده اند که این اوضاع را عوض کنند. اگر آزادی لازم است، اگر مردم آزادی میخواهند به این خاطر است که میخواهند علیه فقر و بیحقوقیها و تمام تبعیضات و مصادیقی که از جانب دولتها نسل بعد از نسل به جامعه تحمیل شده اعتراض کنند و آنها را ریشه کن کنند. از نقطه نظر کارگران و اکثریت مردم تنها معیار برای محک زدن آزادیها - و هر نیروی مدعی آزادی و آزادیخواهی - آنست که تا چه حد رفاه و برابری و حرمت و منزلت انسانی در جامعه متحقق شده و تا چه حد مبارزه برای این خواستها مجاز و آزاد شمرده میشود. نان و آزادی و کرامت انسانی سه خواست مستقل نیست. جامعه نمیتواند آزاد باشد اما انسانها زیر پا له بشوند و فقر در جامعه بیداد بکنند. بیش از ۴۰ درصد جامعه مصر با درآمدی کمتر از دو دلار در روز زندگی

آخرین گزارشات خبری از مصر حاکی از آن است که دور جدیدی از اعتصابات و اعتراضات کارگری آغاز شده است. البته شکل گیری اعتصابات کارگران از هفته قبل و با خواست برکناری مبارک شروع شد اما این بار جنبش کارگری با شعار نان بخوبی آید آمد است. کارگران خواهان اضافه دستمزد، کاهش قیمتتها، تامین شغلی، و کلا ارتقای شرایط رفاهی و معیشتشان هستند و این به نظر من نقطه عطف مهمی در سیر انقلاب در مصر هست.

انقلاب با شعار محوری نان آزادی کرامت انسانی شروع شد. اولین و مهمترین مانع در راه تحقق این شعار رژیم دیکتاتوری مبارک بود و به همین دلیل انقلاب بدست اولین و فوری ترین هدف خود را برکناری مبارک اعلام کرد. اکنون انقلاب به این هدف رسیده است. اما رژیم همچنان بر سر کار است. ارتش که ستون فقرات نظام دیکتاتوری است امور را در دست گرفته و ژنرالهایی که در تمام مدت دیکتاتوری مبارک نقطه اتکالی او بودند و در همه جنایتهاش دست داشت اند در راس هیات حاکمه قرار گرفته اند. میخواهند به مردم بقبولانند که انقلاب پیروز شده و از مردم میخواهند به خانه ها و به زندگی عادیشان برگردند. میگویند اجازه بدهید ارتش قدم بقدیم در یک

میکنند و این توده کارگر و زحمتکش و محروم اگر آزادی میخواهد بخاطر اینست که این وضعیت را در هم بکوبد. بخاطر اینست که میخواهد از رفاه و از آخرین دستاوردها و استانداردهای زندگی در قرن بیست و یکم برخوردار بشود. در مقابل این مردم، طبقه حاکمه با ارتش اش با دولتش و با دیکتاتوریهایی نظامی و غیر نظامی آزادی را از جامعه سلب میکنند و مردم را سرکوب میکنند تا دقیقاً همین امر اتفاق نیفتد. سرکوب میکنند تا ثروت مالتی میلیاردی یک مشت مفتخور پاسداری بشود. ثروت مبارک و خانواده اش را چیزی حدود هفتاد میلیارد دلار تخمین میزنند. و این ژنرالها و امرای ارتش که در مصر امور قرار گرفته اند نیز در چپاول و غارت دست کمی از مبارک ندارند.

در چنین شرایطی است که امروز کارگران با خواست معیشت، با خواست نان، با خواست رفاه به خیابان آمده اند و در این حرکت اکثریت عظیم مردم محروم و زحمتکش مصر را با خودشان دارند. کارگران از زبان انقلاب اعلام میکنند که آزادی برابری رفاه اجزای به هم تنیده ای است و ما اجازه نمیدهیم که همان چپاولگران و همان سرکوبگران سابق به اسم آزادی و یا به اسم گذار به آزادی همچنان فقر و بیحقوقی و فلاکت را بما تحمیل کنند. (متن يك گفتار تلویزیونی) \*

## وزیر کار رژیم اسلامی: افزایش حقوق کارگران در سال آینده بعید است!

کارگران: حتی دو میلیون تومان هم کافی نیست!

ساعت نکشید که مجبور به رفتنش کردید.

کارگران!

سخنان وزیر کار هشدار است به همه ما که متحد و سراسری برای افزایش حداقل دستمزدها به میدان بیاییم. اگر چه دولت، کارفرمایان و پادوهای آنها در شوراهای اسلامی یکجانبه در مورد دستمزد کارگران تصمیم می گیرند، اما دوشادوش هم و با شعار افزایش حداقل دستمزدها متناسب با تامین رفاه و آسایش يك خانوار کارگری حکم و اراده خود را به سرمایه داران و دولتها تحمیل کنیم. دستمزدها باید چندین برابر شود. همانطور که قیمت نان، برق و گاز و سوخت چند برابر شده است. در جواب

اخیرا وزیر کار رژیم اسلامی سرمایه داران، عبدالرضا شیخ الاسلامی، از "بعید بودن افزایش حقوق کارگران در سال آینده" سخن گفته است. وی با اشاره به "بهره مندی بیشتر کارگران از مزایای اجرای قانون یارانهها" افزایش احتمالی دستمزد کارگران را باعث تورم دانست!

از وزیر کار رژیم که کارگر را شلاق میزند و زبان میبرد و معیشت و منزلت کارگر برایش پیشیزی ارزش ندارد از این بیشتر انتظاری نمی رود. اما اینکه او انتظار داشته باشد که کارگران به این راضی شوند، حماقت اگر نباشد خود فریبی است. از این حماقت ها و خودفریبیهای نمایندگان سرمایه زیاد دیده شده است. آخرینش مبارک بود که گفت می ماند و ۲۴

## دیکتاتور رفت، دیکتاتوری هم باید برود

محصول و ضرورت نظام سیاسی - اقتصادی هستند که حافظ منافع اقلیت سرمایه دار حاکم به قیمت رنج و فقر و بیحقوقی اکثریت عظیم مردم است. انقلاب باید کل این نظام را هدف بگیرد و از سر راه چارو کند. انقلاب مصر با شعار "نان، آزادی، کرامت انسانی" در این جهت حرکت میکند و اکنون که اولین پیروزی را بدست آورده است باید به روشنی هدف بعدی و گامهای عملی برای تحقق آنرا در دستور بگذارد و عملی کند. انقلاب باید اعلام کند که مبارک و سران حکومت او باید بجرم سی سال جنایت و غارت محاکمه بشوند. باید اعلام کند هیچک از مقامات و مسئولین کشوری و لشکری نباید تحت عنوان شورا یا دولت موقت و یا هر نهاد دیگری و به بهانه دوره گذار و غیره، در راس امور باشند. جای اینان نیز در پشت میزهای محاکمه است و نه در ارگانهای قدرت. مردم باید و تجمع و اعتراض و اعتصاب، و انحلال فوری نیروها و نهادهای پلیسی - امنیتی حکومت را خواستار شوند. گذار واقعی به آزادی از تحقق فوری این خواستها میگذرد و تامین این اهداف نیز مانند بزرگ کشیدن مبارک تنها به قدرت اعتراض و مبارزه پیگیر مردم، بقدرت خیابان ممکن است. مبارک برکنار شد اما انقلاب میتواند و باید با قدرت و انسجامی بیش از پیش و تا در هم شکستن کل نظام حاکم به پیش برود.

درد به مردم انقلابی مصر، زنده باد انقلاب.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۲ بهمن ۱۳۸۹، ۱۱ فوریه ۲۰۱۱

پرچم افزایش دستمزدها، پرچم رفاه و آسایش را به دست بگیرند و با این خواست ها به استقبال انقلاب برای برچیدن بساط حکومت اسلامی سرمایه داران و بساط فقر و استثمار و سرکوب برویم.

آزادی، برابری، حکومت کارگری  
مرگ بر جمهوری اسلامی  
زنده باد جمهوری سوسیالیستی  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۲ فوریه ۲۰۱۱ - ۲۳ بهمن ۱۳۸۹

با کناره گیری حسنی مبارک تحت فشار خردکننده انقلاب، مردم مصر به اولین هدف خود رسیدند. دیکتاتوری که سی سال تمام در یکی از کشورهای مدل سرمایه داری با بازار آزاد و با برخورداری کامل از حمایت سیاسی و نظامی آمریکا و دیگر دولتهای غربی زندگی را بر مردم سیاه کرده بود ناگزیر شد استعفا بدهد. هیچجده روز تظاهرات عظیم مردم در قاهره و اسکندریه و سوئز و دیگر شهرها، مقابله هشیارانه و شجاعانه توده مردم با همه مانورها و ترفندهای کثیف حکومت، و بالاخره اعتصابات وسیع کارگران، مبارک را به زانو در آورد و فراری داد.

این يك گام مهم اما تنها اولین گام در پیشروی انقلاب است. مردم خواستار انحلال کل نظام فاسد و سرکوبگر حاکم هستند و مخالفت و مبارزه آنان علیه مبارک در واقع مبارزه علیه نظامی است که مبارک رهبر، نماد و مظهر آن بود. اکنون انقلاب این نماد را درهم شکسته اما کل نظام همچنان پابرجاست. بدنبال استعفا مبارک اعلام شد که قدرت به شورای عالی ارتش و در راس آن وزیر دفاع دولت مبارک واگذار شده است. اعلام شد این تحولی برای "گذار به دموکراسی" است. اما این در واقع پروسه گذار به دیکتاتور بعدی است! این تمهید نیروهای ارتجاع و ضد انقلاب برای بخانه فرستادن مردم است. ضد

انقلاب، از دولتهای غربی تا ارتش و همه نیروهای منتظر مذاکره و سازش، تحت فشار انقلاب از مبارک دست کشید تا مگر کل نظام حاکم را نجات بدهد. انقلاب میتواند و باید این ترفند را نیز خنثی و نقش بر آب کند.

دیکتاتورهای عصر ما حداقل دستمزدها باید بی درنگ چندین برابر شود. حزب از همه تشکل ها و مراکز کارگری، از معلمان و پرستاران و سایر حقوق بگیران زحمتکش میخواند که به حرکت بیست تشکل و مرکز کارگری هائی بپیوندند تا يك حرکت بزرگ در سراسر کشور با خواست افزایش چندین برابر دستمزدها شکل بگیرد. بسیار مهم است که همه کارگران و بویژه کارگران مراکز کلیدی، نظیر صنایع نفت، ذوب آهن، ماشین سازی و آب و برق سایر نهادهای حکومت است.



## مبارزات هر روزه کارگران در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدها

### کارگران پارس متال باز هم دست به تجمع اعتراضی زدند

روز ۲۰ بهمن کارگران کارخانه پارس متال واقع در کیلومتر ۸ جاده مخصوص کرج برای چندمین روز متوالی در اعتراض به یازده ماه دستمزد پرداخت نشده و خطر بیکاری شدن خود، در کارخانه دست به تجمع زدند. این کارگران قبل از آن نیز در همین رابطه در مقابل وزارت کار جمهوری اسلامی در شادشهر تجمع داشتند. همچنین کارگران پارس متال در ۴ بهمن نیز در مقابل مجلس شورای اسلامی دست به تجمع اعتراضی زده و خواستار رسیدگی به وضعیت فلاکت‌ناپذیر معیشتی خود شدند. کارگران پارس متال علاوه بر یازده ماه دستمزد پرداخت نشده، عیدی، بن کارگری و پاداش بهره‌وری سال گذشته را نیز دریافت نکرده‌اند. کارگران بازنشسته این شرکت از چندسال گذشته تاکنون موفق به دریافت مطالبات سنوات پایان خدمت خود نشده‌اند.

بنا بر اخبار منتشر شده کارخانه پارس متال از آذرماه امسال تعطیل شده است. و به دلیل بدهی یک میلیارد و سیصد میلیون تومانی هزینه برق توسط سهامداران، برق کارخانه قطع گردید و تمامی فعالیتهای تولیدی در این کارخانه متوقف شده است. در نتیجه ۳۸۴ کارگر این کارخانه با سابقه ۱۸ تا ۲۰ سال کار در خطر بیکاری قرار دارند. کارگران پارس متال در تجمع‌های خود خواستار آغاز به کار کارخانه و پرداخت دستمزدهای پرداخت نشده خود و بهبود شرایط کاریشان شدند. زیر فشار اعتراضات کارگران به آنها قول راه اندازی کارخانه از روز ۲۴ بهمن ماه و دریافت حقوق معوقه‌شان تا قبل از عید، داده شده است. کارگران اعلام کرده‌اند که تا رسیدن به خواسته‌هایشان به مبارزات خود ادامه خواهند داد.

### کارگران لوله سازی خوزستان ۲۰ ماه است دستمزد نگرفته‌اند

صبح روز ۲۰ بهمن، بیش از ۶۰ نفر از کارگران معترض لوله سازی خوزستان در اعتراض به ۲۰ ماه

دستمزد پرداخت نشده خود در مقابل ساختمان حراست کارخانه تجمع کرده و خواهان پرداخت فوری تمامی طلبهایشان شدند. کارگران میگویند که مقامات محل و مدیر عامل و سهامداران شرکت همگی تلاش دارند تا با سردواندن ما، موج اعتراض ما را خاموش کنند و ما را مایوس و خسته کنند. اما ما تا رسیدن به خواسته‌هایمان به تجمعات خود ادامه خواهیم داد. تحت فشار اعتراض کارگران در این روز به آنان وعده داده شد که تا اردیبهشت تلاش خواهند کرد که طلب کارگران را بدهند. و از آنها خواستند که محل را ترک کرده و به خانه هایشان بروند. اما کارگران نپذیرفته و گفتند حداقل در گام اول دستمزد ده ماه ما را پرداخت کنید. اعتراضات کارگران ادامه دارد.

### تجمع اعتراضی کارگران کارخانه قند بردسیر کرمان

روز دوشنبه ۱۸ بهمن بیش از ۵۰ نفر از کارگران کارخانه قند بردسیر کرمان در مقابل فرمانداری این شهر گردآمده و خواستار دریافت ده ماه حقوق معوقه و راه اندازی مجدد کارخانه شدند. این کارخانه از آذر ماه به حال تعطیل در آمده و کارگران آن بلا تکلیف هستند. بنا بر خبر علاوه بر کارگران قند بردسیر چندین کارخانه دیگر در شهر کرمان با وضع مشابه کارگران این کارخانه روبرو هستند. کارگران قند بردسیر تا کنون چندین بار در مقابل فرمانداری بردسیر و استانداری کرمان و مراجع مختلف دولتی تجمع داشته و پیگیر خواسته‌هایشان شده‌اند، اما با توجه به اینکه پاسخی به آنها داده نشده است، در تجمع روز ۱۸ بهمن کارگران اولتیماتوم دادند که اگر تا ۲۲ بهمن به خواسته‌هایشان پاسخ داده نشود، دو باره به تجمعات خود ادامه خواهند دادند.

### تجمع اعتراضی کارگران پوشینه بافت قزوین

روز سه شنبه ۱۹ بهمن کارگران پوشینه بافت قزوین در اعتراض به عدم دریافت ۱۱ ماه دستمزد پرداخت نشده خود، مجدداً دست به تجمع اعتراضی زدند. در این تجمع اعتراضی کارگران درب شرکت را به نشانه اعتراض بسته و مانع ادامه روال

## گزارشات تصویری از آکسیون اعتراضی ۲۲ بهمن

لندن - انگلیس



واشنگتن دی سی



برلین - آلمان



برمن - آلمان



فرانکفورت



فرانکفورت

عادی کار شدند. لازم به یادآوری است که در رابطه با همین موضوع کارگران پوشینه بافت قزوین طی روزهای اخیر بارها تجمعات اعتراضی خود را برپا کرده و پیگیر خواسته‌هایشان شده‌اند. از جمله روز یکشنبه ۱۷ بهمن کارگران در مقابل استانداری قزوین تجمع اعتراضی برپا کردند. کارگران معترض خواهان عملی شدن عده و وعده‌های کارفرمایان شرکت، شخص احمدی نژاد، وزیر صنایع و معادن و دیگر دست اندرکاران استان قزوین هستند.

کارگران واحدهای تولیدی فرخ و مه‌نخ و نازخ و پوشینه بافت همگی معضلات مشابهی دارند. این کارگران سابقه ای طولانی در سازمان دادن حرکت‌های اعتراضی برای کسب حقوق پایمال شده خود داشته و بارها اعتراضات همزمان و مشترکی را با یکدیگر سازمان داده‌اند. در آبانماه سال جاری کارگران پوشینه بافت قزوین هنگام سخنرانی احمدی نژاد در قزوین به پرداخت نشدن دستمزدهای خود اعتراض کردند.

واحدهای نساجی فرخ، مه‌نخ، نازخ و پوشینه بافت چهارهزار و پانصد کارگر شاغل داشت، اما در پی بحرانی شدن وضعیت اقتصادی این واحدها به بخش خصوصی واگذار گردید و چندی بعد این شرکت‌های تولیدی دست به بیکارسازی کارگران زدند که در نتیجه سه هزار و پانصد تن از کارگران هر سه شرکت بیکار شدند. وزارت صنایع و معادن در پی آن است که پانصد نفر دیگر از کارگران این واحدها را نیز تحت عنوان بازنشستگی بیکار کند. بنا بر خبرهای دولتی، هم اکنون بیش از ۶ هزار کارگر در قزوین با معضل دستمزدهای پرداخت نشده روبرویند که بعضاً تا ۳۸ ماه دستمزد خود را طلب دارند.

حزب کمونیست کارگری ایران از خواستها و اعتراضات کارگران حمایت میکند و همه کارگران را به مبارزه ای سراسری برای پرداخت فوری دستمزدها و افزایش چندین برابر دستمزدها و مقابله با اخراجها فرا میخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۲ بهمن ۱۳۸۹، ۱۱ فوریه ۲۰۱۰

**نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی!**

## گزارشات تصویری از آکسیون اعتراضی ۲۲ بهمن



استنکهلم، سوئد



استنکهلم، سوئد



آنکارا، ترکیه

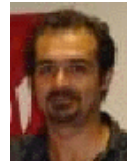


اسلو، نروژ

بودیم یک حرکت مسالمت آمیز از جانب مردم ایران بود، می گوید "اگر شما مجموعه شعارها در تظاهرات قبلی را هم ملاحظه می فرمودید، شعارهای اینچینی پیدا می کردید و اگر از مردم جا می ماندند، بنا به درخواست آنها چنین حرکت باشکوهی شکل نمی گرفت! امیر ارجمند همچنین اضافه می کند که با بررسی وقایع ۲۵ بهمن تاکتیک های بعدی تعیین خواهند شد!

باید به این حافظان و نگاهبانان حکومت دزدی و آدمکشی مذهبی خاطر نشان ساخت که این یک "حرکت" نیست! انقلاب است در خیابانها و اساسا خیابان جای اینگونه ادا و اطوارها و مسالمت جویی ها در مقابل خشونت و وحشیگری مزدوران یک حکومت تا دندان مسلح نیست. این، بار دیگر حضوری گسترده و خیابانی بود برای سرنگونی رژیم اسلامی و تمام شعارها همین را تاکید میکرد و از شعارهای منطبق بر سیاست امثال موسوی چندان خبری نبود. این، حضوری خیابانی و وسیع بود که می توانست روزها در خیابان بماند، سازمان یابد، درس بگیرد، خواسته هایش را روشن تر کند و دستگاههای سرکوب و قدرت رژیم را از کار بیندازد و انقلابش را به پیروزی برساند. و موسوی و کروبی و تمام حافظان این رژیم هم دقیقاً از ترس و وحشت تحقق چنین امری است که مدام داد و فغان سر می دهند و در عین حال که می خواهند بهره سیاسی خود را از انقلاب مردم ببرند، همواره از عدم "ساختار شکنی" و پرهیز از خشونت می گویند.

انقلاب خشونت نیست و انقلابیون عاشق و شیفته انقلاب نیستند بلکه انقلاب را مسالمت آمیزترین و انسانی ترین راه حلی می دانند در مقابل دزدی ها، کشتارها، دروغ ها و نیرنگ ها و وعده وعیدهای بیشتر از سی ساله مشتی آخوند مفتخور و پراشتها که برای پر کردن حسابهای بانکی شان در اقصی نقاط دنیا به زندگی و شرافت هفتاد میلیون انسان چنگ انداخته اند و مدام با بی شرمی تمام دروغ سرهم می کنند. تمام حکومت های دیکتاتوری و خونریز در روزهای آخر حیاتشان، عناصر و چهره هایی را از درون خود نظام حاکم بیرون می دهند تا انقلاب مردم را منحرف کنند و سرش را به سنگ بکوبند. نقشی که موسوی و کروبی بهعهده گرفته اند و در مقابل، مردمی هم که - بدرستی - دیگر فریب



## سید علی و نظامی باید برود!

هادی وقفی

روز ۲۵ بهمن مردم و جوانان ایران با حضوری بسیار گسترده و چشم گیر بار دیگر به خیابانها آمدند و اینبار تماماً علیه خامنه ای بمشابه ستون فقرات کلیت نظام سیاسی حاکم شعار دادند. "این ماه بهمنه، سید علی وقت رفتنه"، "مبارک، بن علی، نوبت سید علی" و "سید علی حیا کن، مبارک رو نگاه کن" از جمله شعارهایی بودند که با خشم و نفرت بر سر حاکمان مذهبی ایران خروار شدند. شاهدان عینی و خبرنگاران سایت های مختلف خبری گزارش داده اند که نیروهای سرکوبگر حکومت در اینروز تمام توان خود را بکار بردند و با خشونت بی حد و حصری تلاش کردند تا از شکل گیری تجمعات مردمی جلوگیری کنند و اجازه ندهند دسته های چند هزار نفره مردم به یکدیگر بیسوندند. اما دستگاههای امنیتی حکومت از حضور یک میلیون نفر در خیابانها خبر دادند. اما با وجود این رژیم اسلامی توانست ۲۵ بهمن را از سر بگذراند و هنوز روی کار باشد!

انقلابات مردم تونس و مصر و فراری دادن حاکمان دیکتاتور این کشورها، یکی از ثمراتی هم که داشت، این بود که در کنار بازتولید روحیه و اراده مردم ایران برای سرنگونی رژیم اسلامی، حرص و ولع و ترس و وحشت - بظاهر - رهبران جنبش سبز را نیز برای دفاع از اصل نظام و جلوگیری از سرنگونی اش، شدت بخشید. جبهه مشارکت ایران اسلامی روز قبل از ۲۵ بهمن با صدور بیانیه ای، جنبش سبز را حرکتی مسالمت آمیز خواند که نه تنها بدنبال سقوط نظام نیست بلکه قصد دارد نظام را در مقابل خطر انقلاب مردم از سرنگونی مصون سازد و همینطور، "اردشیر امیر ارجمند" مشاور ارشد میر حسین موسوی هم در روزهای قبل و بعد از ۲۵ بهمن و در گفتگوهایی که با سایت های مختلف و از جمله تلویزیون بی بی سی فارسی انجام داد، تمام تلاش خود را بکار گرفت تا اعلام کند که جنبش سبز حرکتی مسالمت آمیز است و باید به اصول حرکت های مسالمت آمیز پایبند بود. بالینحال و علیرغم تمام این تلاش ها، در واقع به با خیابان آمدن مردم و سر دادن شعار علیه خامنه ای، این افراد تنها آبرو و حیثیت خود را هرچه بیشتر حتی در میان طرفدارانشان بر

ریزی جامعه ای شاد، آزاد، مرفه و فارغ از دخالت مذهب در حکومت، قوانین و آموزش و پرورش. تاکتیک های بعدی" را مردم تعیین خواهند کرد و با رفتن سید علی تمام این ساز و کار دزدی و جنایت و تحمیل قوانین ضد انسانی و متحجر اسلامی به زندگی انسانها هم باید بساطش را جمع کند.

ها و خدعه های حکومت را نمی پذیرند، به خیابان می ریزند تا در کف خیابان تعیین تکلیف کنند. تظاهرات ۲۵ بهمن یکبار دیگر تاکید بر این نکته بود که "سید علی باید برود" و کیست که نداند رفتن سید علی تازه شروع کار است! شروع کار است برای عرض اندام اراده انسانی انقلاب و پی

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلابی بدل میشود!

## دور تازه ای از اعتراضات ...

توده مردم در کل منطقه و مشخصاً در جامعه ایران که با خیزش ۸۸ خود آغازگر این موج بود، بیش از پیش و در ابعدی بیسابقه دامن بزنند و زنده کنند.

اعتراضات وسیع خیابانی در ۲۵ بهمن در واقع یک شکل بروز مشخص انفجار اجتماعی است که سران حکومت از مدتها قبل در انتظارش بودند و در مورد آن به یکدیگر هشدار میدادند. اکنون این رویارویی در دل موج انقلاب وسیعی که منطقه را فراگرفته و با امید و افق روانه کردن خامنه ای بدنبال دیکتاتورهای که در عرض چند هفته بزیر کشیده شدند، آغاز شده است.

شعارهای محوری اعتراضات خیابانی ۲۵ بهمن مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر خامنه ای بود و برای توده مردم این شعارها معنائی بجز

## از صفحه ۱

تأمینی از جامعه رخت بر بندد و در یک کلام مردم میخواهند دیکتاتور و دیکتاتوری برود تا به یک نظام و جامعه آزاد و برابر و مرفه و انسانی برسند. اینها جوهر و مضمون و هدف انقلاب مردم در ایران است. تجربه انقلاب مصر و تونس این واقعیت را برجسته کرد که بدون طرح شفاف و روشن و صریح این اهداف و خواستها انقلاب مردود و متوهم میشود و میتواند به بیراهه کشیده شود. حزب کمونیست کارگری با تمام توان تلاش میکند که این خواست ها در همه اعتراضات به پرچم مبارزه مردم تبدیل شود.

بیست و پنج بهمن یک بار دیگر تاکید کرد که علیرغم اینهمه سرکوب و بگیر و ببند و علیرغم اینهمه اعدام و شکنجه و جنایت، مردم ایران مصممند که خود را از شر این حکومت خلاص کنند و خواهند کرد. حزب کمونیست کارگری کارگران، جوانان، زنان و کلیه

## منصور اسانلو دچار حمله قلبی در زندان شد و اکنون در بند ۴ گوهردشت در بازداشت بسر میرد منصور اسانلو باید فوراً آزاد شود

قبلاً گزارش کرده بودیم که منصور اسانلو بهماره ۶۲ زندانی سیاسی دیگر در همین ماه به سالن ۱۲ بند ۴ گوهردشت، بند قرظینه که تحت نظارت شورای عالی امنیت و وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی قرار دارد، انتقال یافته است. محرومیت زندانیان از اولییه ترین امکانات بهداشتی، محرومیت از تمامی امکانات درمانی برای زندانیانی که نیاز به دارو و درمان دارند، قطع کردن تماسهای تلفنی از جمله فشارهایست که به این زندانیان وارد می آید و آنها زیر شدیدترین

بنا بر گزارش هرا، حوالی ساعت ۹ شب ۲۲ بهمن منصور اسانلو رئیس هیات مدیره سننیکای واحد که هم اکنون در اسارت جمهوری اسلامی بسر میبرد، به علت استفاده از غذای نامناسب زندان، دچار حمله قلبی شده و پس از نیم ساعت از بند خارج و به بیمارستان رجایی شهر کرج منتقل شد. مسئولین جنایتکار زندان با دستبند و پابند این زندانی را به بیمارستان منتقل کردند. او در حال حاضر با وضعیت نامناسبی به بند ۴ منتقل شده است.

## از صفحه ۱۲

همه مراکز کارگری رفت. روزی نیست که در هر شهر دهها کارخانه در اعتراض و مبارزه نباشند. در شرایط پر التهاب جامعه، و در شرایطی که مردم نفسی تازه کرده اند، میتوان این اعتراضات را به مبارزات همزمان و سراسری کارخانجات در تمام شهرها تبدیل کرد و بیشترین حمایت مردم را از این مبارزات جلب کرد. میتوان به تدارک اعتصابات سراسری بر سر خواستهای سراسری چون خواست افزایش دستمزدها رفت. میتوان در همه جا مجامع عمومی را به عنوان محلی برای تصمیم گیری و متحد شدن تشکیل داد و تشکیل منظم آنرا

## بعد از ۲۵ بهمن ...

"هدفمند کردن یارانه هایشان" را بر سرشان خراب کنیم. حول خواست افزایش فوری دستمزدها جمع شویم و همه کارخانجات همچون زنجیر گرد این خواست جمع شویم.

## ۲۵ بهمن، موقعیتی جدید برای اعتراضات کارگری

۲۵ بهمن بطور واقعی فضای اعتراضات رادیکال را در جامعه قدرتمندتر کرد. و این خود شرایط را برای جلودر رفتن جنبش اعتراضی کارگری فراهم تر میکند. از این موقعیت باید همچون سکوی پرشی سود جست و به تدارک فشرده تر اعتصابات سراسری و سازماندهی در



سرنگون باد جمهوری اسلامی زنده باد انقلاب، زنده باد سوسیالیسم حزب کمونیست کارگری ایران ۱۵ فوریه ۲۰۱۱، ۲۶ بهمن ۱۳۸۹ کنند.

مردم معترض را فرامیخواند که خود را برای گسترش مبارزه و اعتراض و اعتصاب و دور دیگری از انقلاب برای سرنگونی حکومت اسلامی آماده کنند.



زندان او افزودند. اکنون منصور اسانلو بیش از ۴ سال است که در زندان بسر میبرد. جمهوری اسلامی در قبال جان منصور اسانلو و هر اتفاقی که برای او روی دهد، مسئول است. منصور اسانلو باید فوراً از زندان آزاد شود.

علاوه بر منصور اسانلو، ابراهیم مددی، رضا شهبانی و غلامرضا غلامحسینی از دیگر اعضای سننیکای واحد در زندانند و همچنین رضا رخشان رئیس هیات مدیره سننیکای نیشکر هفت تپه و بهنام ابراهیم زاده عضو کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل های کارگری و فعال دفاع از حقوق کودک در بازداشت بسر میبرند و دادگاههای جنایتکار جمهوری اسلامی به بهنام ابراهیم زاده بیست

فشارهای روحی و طاقت فرسا قرار دارند.

بعلاوه منصور اسانلو از ناراحتی حاد قلبی رنج می برد و حتی پزشک قانونی رژیم نیز اعلام کرده است که او به خاطر بیماریهایش قادر به تحمل حبس نیست. اما جانینان اسلامی نه تنها او را آزاد نکرده اند، نه تنها حتی وی را از مرخصی هم محروم کرده اند، بلکه با انتقال وی به بند قرظینه گوهردشت فشار را بر وی شدت داده اند. منصور اسانلو به جرم مبارزات با شکوه کارگران شرکت واحد در سال ۸۴ و تلاششان برای ایجاد تشکل خود، سننیکای واحد در زندان است. بخاطر این مبارزات به او ۵ سال حکم زندان داده شده بود که یکسال نیز به حکم

به این جانینان تحمیل کرد. و بدین ترتیب در صفی متشکل و قدرتمند جلو آمد.

## ۲۵ بهمن بار دیگر توجه جهانیان را بسوی ایران کشاند

بدنبال انقلاب مصر و تبدیل آن به زنجیره انقلابات در کشورهای عربی، بدنبال ۲۵ بهمن و شعار مبارک، بن علی نوبت سید علی بار دیگر توجه جهان در ابعدی وسیعتر و جهانی تر بسوی ایران جلب شد. این توجه را باید به حمایت و همبستگی گسترده تر جهانی تبدیل کرد. در سطح جهانی فشار آوریم تا سفارتخانه های حکومت اسلامی تماماً بسته شوند و جمهوری اسلامی از همه مراکز بین المللی اخراج شود.

## اینترنت در خدمت سازماندهی انقلاب مردم

واقعیت اینست که امروز در عصر انقلاب انفورماتیک دارند از سازماندهی انقلابات با قدرت اینترنت و سازماندهی در سطح وسیع جهانی سخن میگویند. شکلی از سازماندهی که مرزهای خفقان و فیلترینگ را در هم شکسته است. تجربیات این شکل از سازماندهی را در مصر و انقلابات اخیر دیدیم. در همین خیزش انقلابی سال گذشته مان دیدیم که چگونه علیرغم از کار افتادن تلفن ها و اس ام اس و فیلتر کردن ها و قطع کردن اینترنت و غیره دقیق

سال حکم زندان و ده سال محرومیت از فعالیت اجتماعی داده اند. همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند.

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد

کمپین برای آزادی کارگران زندانی ۲۳ بهمن ۸۹، ۱۲ فوریه ۲۰۱۱ شهلا دانشفر

00447779898968

بهرام سروش  
0044-7852 338334

تظاهراتهای با شکوه میلیونی مردم، در سطح رسانه های جهانی و بصورت تصویر و فیلم انعکاس یافت. یک نمونه کوچکی از بکارگیری اینترنت در خدمات سازماندهی انقلاب، تشکیل گروههای چندین هزار نفره در حمایت از حبیب الله لطیفی و لغو مجازات اعدام او بود. حرکتی که در کنار تجمع مردم سنجند در مقابل زندان سنجند و کمپینی وسیع، جمهوری اسلامی را ناگزیر به عقب نشینی کرد. باید این عرصه را شناخت و در سازماندهی انقلاب خود وسیعاً بکارش گرفت.\*

## زندانهای سیاسی آزاد باید گردد!



## مراسم بزرگداشت منصور فرزاد

شنبه ۱۹ فوریه، ساعت ۳ تا ۶

بعدازظهر در گوتنبرگ

به اطلاع میرسانیم که از طرف حزب کمونیست کارگری ایران، مراسم بزرگداشت رفیق عزیزمان منصور فرزاد روز شنبه ۱۹ فوریه در شهر یوتبوری در سوئد برگزار میشود. شنبه ۱۹ فوریه، ساعت ۳ تا ۶ بعدازظهر  
مکان: Wieselgrensgatan 11 در Bjurslättskolan  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۵ فوریه ۲۰۱۱

### به یاد منصور عزیز

درگذشت ناگهانی منصور عزیز خبری تکان دهنده و بسیار دردآور بود. این ضایعه دردناک را به همسرش رفیق سوسن صابری، به فرزندانش، به رفقا ایرج و کیهان فرزاد، و به مادر و سایر بستگانش صمیمانه تسلیت میگویم. منصور یک انقلابی و کمونیست پیگیر و خستگی ناپذیر، یک شخصیت دوست داشتنی و صمیمی، و یک دوست عزیز و گرانقدر برای من، برای همه رفقای حزبی، و برای هر که او را میشناخت بود. یاد و خاطره عزیزش همیشه زنده خواهد ماند.

حمید تقوائی - ۱۳ فوریه ۲۰۱۱

### منصور عزیز را هیچگاه فراموش نمیکنیم

جان باختر رفیق عزیز و دوست داشتنی مان منصور فرزاد برآستی شوکه آور و تکان دهنده بود. برای ما که او را از نزدیک میشناختیم درگذشت ناگهانی او برآستی باور نکردنی و یک فقدان دردناک است. جان باختر او را به رفقای عزیزم سوسن صابری و ایرج فرزاد و کیان فرزاد و فهمیه قطبی و مادر داغندیده شان و به همه بستگان و دوستانش صمیمانه تسلیت میگویم.

کاظم نیکخواه  
۱۷ فوریه ۲۰۱۱

تظاهرات های شبانه را پرشورتر از همیشه و با شعار های آزادیخواهانه خود وسیعاً گسترش دهم. متشکل شوم و جنبش قوی نپرداختن قبض های برق و گاز و آب را راه بیندازیم و طرح ریاضت کشی اقتصادی، دادن مراکز قدرت این جانینان و سرنگونی این حکومت برویم.

### انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkhah@gmail.com

دستیار سردبیر: شهلا دانشفر

هماهنگ کننده صفحه بازتاب: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

همه شهرها، تظاهرات های شبانه را وسیعاً برپا کنیم و همان شعارهای محوری ۲۵ بهمن از جمله مرگ بر خامنه ای، مبارک، سیدعلی، نوبت سید علی، جمهوری اسلامی نمیخواهیم، آزادی، آزادی، را سر دهیم.

### دیوارنویسی، برای اعلام خواستها و شعارهایمان

همه جا دیوار ها را از شعارهایمان و از خواستها و بیانیته هایمان پر کنیم. دیوارها را به مکان اعلام خواستهای مان، شعارها و قطعنامه ها و فراخوان هایمان تبدیل کنیم. بگذاریم که همه جا رنگ اعتراض و خواستهای انسانی ما را بگیرد و روحیه نیروهای حکومتی را خرد کند.

### دستگیر شدگان را آزاد میکنیم

در روز اعتراض گسترده ۲۵ بهمن، جمهوری اسلامی مثل همیشه دست به دستگیری زد. تعداد زیادی را بازداشت و زندانی کرد. گزارش ها حاکی از دستگیری ۱۵۰۰ نفر در این روز است. همان شب، خانواده های دستگیرشدگان در پی خبرگیری از وضع عزیزانشان در مقابل کلاتری ها و بازداشتگاههای جمهوری اسلامی جمع شدند و خواهان آزادی آنان شدند. روشن است که یک گام فوری ما پیگیری وضع این عزیزان و آزادی آنها از زندان است. همراه با خانواده های دستگیر شدگان و جمع شدن در مقابل زندانها و بازداشتگاههای حکومت فشار بیاوریم و آنها را از زندان آزاد کنیم. بدنبال قدرتمندی بزرگ در ۲۵ بهمن امروز در موقعیتی هستیم که میتوانیم مبارزاتمان را فشرده تر کنیم. با این نیرو میتوان در زندانها را گشود.

### محلات را باید سازمان داد

بعد از ۲۵ بهمن، بعد از پیشروی های جنبش آزادیخواهانه در مصر و تونس و گسترش مبارزات در کشورهای عربی علیه دیکتاتورها و برای یک زندگی انسانی، امروز در موقعیتی به مراتب قدرتمند تر قرار داریم. یک گام مهم برای به میدان آوردن این قدرت و یکسره کردن اوضاع، سازمانیافتن صفوف مبارزه مان است. در محلات متشکل شویم. گروهها و کمیته های مبارزاتی محلات را شکل دهیم. و با اطلاع



## بعد از ۲۵ بهمن

شهلا دانشفر

۲۵ بهمن مردمی که در کمیون فرصتی بودند که بیرون بریزند و صدای اعتراضشان را به این شرایط جهنمی زندگی، گرانی هر روزه قیمت ها و سرکوب کردنها و فشار هر روزه بر زندگی و معیشتشان بلند کنند، به خیابان آمدند و با شعارهای آزادی، آزادی، مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر خامنه ای بار دیگر پیام آور انقلاب و رهایی از شر این رژیم شدند. ۲۵ بهمن ما شاهد تظاهرات هزاران نفره مردم بودیم که با شعار مبارک، بن علی، نوبت سید علی عزم جزم خود را برای سرنگونی این رژیم نشان دادند. در این روز مردمی که از انقلاب مصر و تونس و زنجیره انقلابات علیه دیکتاتورها امید و چشم انداز پیدا کرده بودند، به خیابان آمدند و با روحیه تعرضی شان و با شعار های جمهوری اسلامی نمیخواهیم، چه در تهران، چه در قاهره دیکتاتور باید بره، کل رژیم را به چالش کشیدند و به انواع و اقسام جریانات و نیروهای نظیر جبهه مشارکت و کروی و موسوی و غیره که بیانیته هایمان آشکارا نسخه ای است برای جلوگیری از سقوط جانینان اسلامی جواب محکمی دادند. ۲۵ بهمن همچنین بار دیگر مردم قدرت عظیم خود را در تظاهرات صدها هزار نفره شان و در اجتماعاتشان در شهرهای مختلف دیدند. امروز بدنبال ۲۵ بهمن صف ما قویتر و متحد تر است. اما صفوف جمهوری اسلامی در هم ریخته تر. تا جایی که مجلسشان به صحنه تظاهرات، علیه خودیهایشان تبدیل شده و حکم اعدام یکدیگر را صادر میکنند. بدین ترتیب اولین سوال اینست که بعد از ۲۵ بهمن در چه موقعیتی قرار داریم. گام بعدی چیست؟ فوری ترین نکات کدامند؟

### قانون اساسی جمهوری اسلامی نه، آزادی برابری

۲۵ بهمن همانطور که اشاره کردم شروعی از دور جدید اعتراضات توده ای مردم بود که کلیت این حکومت به چالش کشیده شد. جنبشی که باید صفوف خود را متحدتر کند. اولین گام بعد از ۲۵ بهمن و در دور جدید اعتراضاتمان، بیان روشن و شفاف

خواستهایمان است. اجازه ندهیم که به نام ما نسخه بازگشت به دوران خمینی و اجرا گذاشتن قانون اساسی را برای مبارزاتمان بیچند، تا جلوی انقلاب مان را بگیرند. به بیانیته ها و پیام ها و ارزیابی ها و گزارش های بعد از ۲۵ بهمن اپوزیسیون حافظ رژیم و در راس آنها موسوی و کروی و دارو دسته هایشان نگاه کنید. همه شان یک حرف میزنند و همه شان از ترس انقلاب بر همان طبل اعتراضات مسالمت آمیز، بازگشت به دوره امام و اجرای قانون اساسی میکوبند تا نظامشان را از سقوط نجات دهند. باید در برابرشان ایستاد و اعلام کرد که اجازه نمیدهیم. اینها همه یعنی، حفظ جمهوری اسلامی، اینها همه یعنی بریدن سر انقلاب و تداوم جهنمی که هست. بطور واقعی هم ۲۵ بهمن پاسخ محکمی بود بر همه این تشبثات. آنها به دنبال "احیای ارزشهای انقلاب اسلامی" و "آرمانهای امام راحل" شان هستند و مردم فریاد مرگ بر جمهوری اسلامی و مرگ بر خمینی و خامنه ای را سر میدهند. انقلاب ما هدفش آزادی و جامعه انسانی است. بنابراین اولین گام برای ما بعد از ۲۵ بهمن کنار زدن همه این خس و خاشاکها از سر راه انقلاب مان است. بگویم شعار ما الله اکبر نیست. و آزادی، برابری را فریاد بزیم. برده خواست فوری خود، آزادی بدون قید و شرط سیاسی، برابری زن و مرد و لغو همه قوانین ضد زن، لغو مجازات اعدام، آزادی فوری همه زندانیان سیاسی، داشتن یک زندگی پر از رفاه و شادی، محاکمه سران جنایتکار این حکومت، جدایی مذهب از دولت و آموزش و پرورش و آزادی داشتن و نداشتن مذهب بعنوان فرمانهای فوری انقلابمان سخن بگویم و اینها را پرچم فوری مبارزاتمان قرار دهیم.

### ادامه تظاهرات های شبانه، ظرفی برای متحد شدن سراسری

تظاهرات های شبانه ظرفی است برای متحد شدن، محلات، ظرفی است برای یکدست شدن شعارها و امکانی برای به لرزه در آوردن تهران و

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!